



فهرست مطالب

۲	در حاشیه بحران آب و زمین لرزه اصفهان.....
۴	آبان خونین و لاشخوران بین المللی!.....
۵	چند درس مهم از خیزش خونین آبان ۹۸.....
۶	چه کشوری خطر برای صلح جهانی است؟.....
۶	معلمان معترض آرام نخواهند گرفت.....
۸	در حاشیه ادامه فرار مغزها از ایران و سخنان اخیر خامنه‌ای.....
۹	بیانیه مشترک.....
۱۰	در جبهه نبرد طبقاتی.....
۱۹	همبستگی سندیکاهاى کارگری فرانسه با قربانیان سرکوب در ایران.....
۲۰	سیستم سرمایه‌داری در ذات خودش، ضدبشر، ضد طبیعت و ریاکار است.....
۲۱	چنین جمعیتی را تاکنون تاریخ محیط زیست ایران به یاد نمی‌آورد.....
۲۲	محکومیت زندان برای مردانی که توان پرداخت مهریه را ندارند.....
۳۲	در حاشیه «دادگاه مردمی آبان».....
۲۴	نوستالژی آریایی و افسانه حقوق بشر.....
۲۵	نقش بانک‌ها در ایران چیست؟.....
۲۶	فرخنده باد صد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر.....
۲۷	چند یادداشت کوتاه سیاسی.....
۲۹	پیام حزب کار ایران (توفان) به شانزدهمین کنگره حزب کمونیست آلبانی.....
۳۰	پیام حزب کمونیست آلبانی به حزب کار ایران (توفان).....
۳۱	ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده.....
۳۳	گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به چند پرسش.....
۳۳	پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام.....



در حاشیه بحران آب و زمین لرزه اصفهان

زاینده رود ما کو؟

خطر بی‌آبی در کشور ما هر روز حادث‌تر می‌شود. فساد، رشوه‌خواری، ندانم‌کاری، بی‌توجهی و بی‌کیاستی مسئولین مکتبی نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، که فقط به جیب خود می‌اندیشند، روز به روز بر مشکلات تأمین و توزیع آب می‌افزاید. آنها به نقش استراتژیک آب کم‌ترین توجه‌ای ندارند و به همین دلیل خطر عظیمی را متوجه کشور و مردم ما ساخته‌اند. نمونه‌های زیر به گوشه‌ای از این بی‌لیاقتی و حرص و ولع سرمایه‌داری اشاره دارند و بازتاب‌دهنده تجمعات عظیم امروز کشاورزان اصفهانی هستند:

یکم، رود هزار ساله «زاینده‌رود»، که روزگاری به معنی واقعی کلمه «حیات‌بخش» بود و ۴۰ هزار هکتار زمین مزروعی را آبیاری می‌کرد، شرب منطقه را تأمین می‌کرد و سپس به «مرداب گاوخونی»، این «بهشت روی زمین»، که مأوای هزاران پرنده مهاجر بود، می‌پیوست، امروز قریب به ۳۰ سال است که به تدریج رو به خشکی می‌گراید؛ به قسمی که از سال ۱۳۶۷ به این سو کشاورزی در حوالی این رود به رویا تبدیل شده است و روستائیان بتدریج مجبور به ترک این مناطق شده‌اند و به حاشیه شهرها کوچ می‌کنند. این در حالی است که کشاورزی در اطراف «زاینده‌رود» منحصر به غلات نبود، بلکه پنبه‌ای که در این منطقه به عمل می‌آمد، در نوع خود بی‌نظیر بود. وضعیت اسفبار تأمین آب در ایران نه تنها یک بحران جدی است، بلکه نشانه‌ای از ورشکستگی کامل جمهوری اسلامی

در این زمینه نیز هست. تنها «زاینده‌رود» و «مرداب گاوخونی» نیستند که به این سرنوشت دچار شده‌اند، بلکه بسیاری از تالاب‌ها و برکه‌ها و رودخانه‌های کشور به وضع مشابه‌ای دچار شده‌اند. بزرگ‌ترین شاهد عینی دریاچه نمک رضائیه است که تا چندی پیش در حال خشک شدن بود و اعتراضات مردم را به دنبال داشت. از سوی دیگر با نابودشدن تدریجی آب‌های زیرزمینی، تأمین آب مردم ایران با مشکل جدی مواجه شده است. بسیاری از زمین‌های کشاورزی تبدیل به صحرای خشک شده‌اند. حتی در بسیاری از نقاط در اثر خشکی مفرط شکاف‌های بزرگی در زمین بوجود آمده است که باعث کوچ روستائیان به مناطقی دیگر شده است. سدهایی که روزگاری می‌بایست آب کشاورزان را تأمین کنند، از حیز انتفاع خارج شده‌اند. آب بتدریج به کیمیا بدل شده است و این امر به معنی واقعی کلمه امنیت ملی ما را به خطر انداخته است. «زاینده رود»، که روزگاری به وجود آمدن اصفهان، این گهواره تمدن را ممکن ساخت، زاینده‌رودی که طی ادوار، آب را رایگان در اختیار روستائیان قرار می‌داد، اکنون در اکثر اوقات سال فاقد آب است. امروز اهالی آنجا به علت خشک شدن آن باید آب مورد نیازشان را از عمق ۳۷۰ متری به سطح زمین انتقال دهند، امری که به علت بالابودن هزینه آن از عهده خیلی‌ها خارج است. اگر در گذشته یک کشاورز برای استفاده از آب در مواقع ضروری چاه‌های متعددی در اختیار داشت، امروز چندین کشاورز حداکثر یک چاه در اختیار دارند که به سختی کفاف مصرف آن‌ها را می‌دهد. بسیاری از روستائیان حوالی «زاینده‌رود»، روستاهای خود را به اجبار ترک کرده‌اند و به حاشیه‌نشینان شهرهای اصفهان و قم و تهران بدل گشته‌اند. در نتیجه محصولات کشاورزی این مناطق نیز قریب به ۷۰ درصد کاهش یافته است.

دوم، اصولاً ایران کشوری کم‌بارش (خشک) بشمار می‌آید که در حال حاضر به علت افزایش دمای ۱،۸ درجه سانتی‌گراد متوسط دمای هوا و در نتیجه کاهش ۲۰ درصد بارش، معضل آب بیش‌تر گریبان روستائیان را می‌فشارد. در هفت سال گذشته کاهش بارش بیش از همیشه محسوس بوده است. مدت‌هاست که «زاینده‌رود» تنها دو بار در سال شاهد آب است؛ یکبار از اسفند تا اردیبهشت و بار دوم از آبان تا آذر. ۴۷ سال پیش سدی در ۱۰۰ کیلومتری غرب اصفهان تأسیس شد که قرار بود آب صنایع فولاد و نیز مصرف آب شرب خانگی اهالی اصفهان به اضافه آب شرب شهرهای یزد و کاشان را تأمین کند. تنها اصفهان ۲ میلیارد متر مکعب آب در سال نیاز دارد در صورتی که در حال حاضر تنها نیمی از این مقدار تأمین می‌شود. حدود ۴۵۰ سال پیش «شیخ بهائی» (متولد ۱۵۴۶ میلادی) با تدوین قانون تقسیم آب، این منطقه را به ۷ قسمت تقسیم کرد و به این ترتیب

هزار مردم خشمگین و ناراضی چاره‌ای جز عقب‌نشینی و وعده احیای آب زاینده‌رود نداشته است. مسئولین فاسد و مزور سازمان آب، قبل از اخراج رودخانه، به مردم قول خرید بالگرد و آمبولانس برای بهداری‌های منطقه دادند، امری که هیچگاه جامه عمل به خود نپوشید. در واقع آبی که این مردم برای تولید کشاورزی و به دیگر سخن تامین نیازهای زندگی خود به آن نیاز داشتند، بدون کوچک‌ترین جبران خسارتی ر بوده شد و آنها را به فقر و فلاکت کشانیده است. روستائیان این منطقه و روستائیان اطراف «زاینده‌رود» تاکنون ده‌ها بار دست به تظاهرات و اعتراضات گسترده زدند و هر بار با سرکوب نیروهای انتظامی رژیم روبرو شدند. به روی رود کارون نیز ده‌ها سد برای تولید برق و آبیاری مزارع - بویژه نیشکر - بنا شده است. مصیبت‌زا اینکه آبی که از این مزارع به رودخانه بازمی‌گردد، آلوده به کود شیمیایی و سموم ضدآفت نباتات، بویژه «پستیسید» است.

اعتراضات پرشکوه و توده‌ای مردم اصفهان را نباید در حد چند مطالبه صنفی و در محدوده محلی تقلیل داد. تاب‌آوری کشور به دلیل عدم توجه به واقعیت‌های زیست محیطی فلات ایران بطور جدی به خطر افتاده و اینک مردم جان به لب رسیده اصفهان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، خوزستان، یزد، کرمان، قم، تهران، خراسان، فارس و آذربایجان آن را به خوبی و با پوست و خون خویش درک کرده‌اند. اگر اصفهان پیروز شود، در این مطالبه ملی، شک نباید کرد که روزهای پرفروغ هورالعظیم، شادگان، ارومیه، جازموریان، کشکان، بشار، سفیدرود، کارون، کرخه و دیگر تالاب‌ها و رودخانه‌های وطن هم آغاز خواهد شد.

هموطنان عزیز!

همه ایران را سیاهی و تباهی فراگرفته است! حکومت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی مسبب اصلی وضعیت ناهنجار کنونی است:

هوشیار باشیم، دچار تفرقه و دشمنی نشویم، از درگیری‌های قومی قبیله‌ای پرهیز کنیم و متحد و یکپارچه برای احقاق حقوق خود پیکار کنیم. از شعارهای اخراجی و دشمن شادکن، که مورد بهره‌برداری رسانه‌های اجنبی‌پرست قرار می‌گیرد، پرهیز کنیم و بر شعارها و مطالبات همگانی و دمکراتیک خود متمرکز شویم. فقط با اتحاد و تشکیلات و خط‌کشی روشن با دشمنان داخلی و خارجی و رهبری صحیح می‌توان به پیروزی رسید!

تاکتیک‌های صحیح سیاسی، نظر داشت توازن قوای طبقاتی، پرهیز از شعارها و درگیری‌های زودرس و سرانجام رهبری واحد سیاسی انقلابی رمز پیروزی نهایی ماست!

۲۹ آبان ۱۴۰۰ ●

مشکل این شهر کویری را برای مردم، به ویژه کشاورزان حل کرده بود. اما با رشد جمعیت و صنایع و در نتیجه افزایش سرسام‌آور مصرف بی‌رویه آب از یکسو و افزایش دمای هوا از سوی دیگر اصفهان و حوالی آن روز به روز بیش‌تر با کمبود آب مواجه شد. با دو برابر شدن جمعیت کشور و رشد کشاورزی و دامپروری و تا حدودی صنایع با مصرف آب زیاد، افزایش سرسام‌آور مصرف آب در کشور، عامل خشکسالی و بالاخره سیاست‌های رانتی و آب بر بادده مسئولین و ... بحران آب در کشور ما بیش از هر زمان خودنمایی می‌کند. آب مصرفی مردم در سال حداکثر به ۱۰ درصد می‌رسد و ۹۰ درصد بقیه صرف کشاورزی و صنایع می‌شود. صادرات میوه‌های آب‌دار نظیر هندوانه و خربزه و ... به کشورهای ساحل خلیج فارس، نظیر امارات برای کسب ارز و حمایت از تجار وابسته به دستگاه، خود یکی از عوامل هدر رفتن آب در دایره کشاورزی محسوب می‌شود. خشکسالی و کم‌آبی قبل از اینکه ناشی از علل طبیعی باشد، علل اقتصادی و سیاسی دارد.

سوم، مسئولین نظام در گذشته به جای آنکه کارخانه‌هایی نظیر «فولاد مبارکه اصفهان» را که در هر ساعت به یک هزار متر مکعب آب نیاز دارد، در کنار خلیج فارس بنا نهند، در کنار «زاینده‌رود» ساختند. استدلال آنها نیز ایجاد رونق اقتصادی و فرصت‌های شغلی در اصفهان بود که به خودی خود غلط نیست، ولی از نظر سیاست راهبردی به ویژه در مسأله آب، تأسیس چنین کارخانه‌ای در کنار «زاینده‌رود» خطائی نابخشودنی به حساب می‌آید. به بیان دیگر دلایل اصلی بحران و فاجعه کم‌آبی در ایران تنها به تغییر دمای هوا و کاهش بارش مربوط نمی‌شود، بلکه به طور عمده در سوء مدیریت صنعت و اقتصاد کشور و به طریق اولی مسأله توزیع آب و مهم‌تر از همه رانت‌خواری و دزدی نهفته است. توزیع و اداره امور آب در کشور ما در اختیار دو وزارتخانه انرژی و کشاورزی قرار دارد. اما برنامه‌های این دو وزارتخانه به جای همکاری و همگرایی سازنده، عملاً علیه یکدیگر تدوین می‌شوند. اصولاً وزارت انرژی نه طرح و نه برنامه موثر و مفیدی برای تأمین آب در کشور مدون کرده است. در عوض گردانندگان این اداره مدام در پی رانت‌خواری و رشوه‌گیری و رشوه‌دهی و به یک کلام پُرکردن جیب خود هستند. حداکثر عملکرد آنها در ساختن سدهای جدید و هدایت آب از این منطقه به منطقه دیگر است. آنها به هیچ‌وجه در فکر راه حل اساسی نیستند. تاکنون هیچ برنامه‌ای برای کاهش مصرف آب ارائه نکرده‌اند. چهارم، روستائیان شریفی که در گذشته مشکلی به نام کمبود آب نمی‌شناختند، امروز کاسه صبرشان لبریز شده، متحد و یکپارچه و با زبان واحد دست به اعتراض درخشانی زده و حاکمیت فاسد و بی‌تدبیر جمهوری اسلامی را به چالش گرفته‌اند. رژیم نیز در مقابل ده‌ها



آبان خونین و لاشخوران بین‌المللی!

به مناسبت دومین سالگرد جنبش اعتراضی آبان

در بامداد ۲۴ آبانماه ۱۳۹۸ شرکت ملی پخش فراورده‌های نفتی ایران، بدون اعلام قبلی از افزایش نرخ سوخت خبر داد. از همان روز تجمعات خودجوش اعتراضی در چندین شهر شکل گرفت. این تجمعات، که در ابتدا آرام و در محلات کارگری و حاشیه‌ای شهری متمرکز بودند، با افزایش خشونت‌ها از سمت نیروهای امنیتی به شورش‌های تمام عیار علیه نظام سرمایه‌داری حاکم تبدیل شدند.

اعتراضات در شهرهای مشهد، تهران، اهواز، کرمانشاه، سنج، جوانرود، مریوان، ارومیه، بوکان، سیرجان و شیراز آغاز شد و به بندرعباس، اصفهان، کرمان، قزوین، شهرک اندیشه، ماهشهر، گچساران، خرمشهر، بابل، بیرجند، جیرفت، شوشتر، اندیمشک، کازرون، بهبهان، بوشهر و دهدشت گسترش یافت. در همان روز اینترنت در چندین شهر مختل شد و از شنبه ۲۵ آبان قطعی سراسری اینترنت به دستور شورای امنیت شروع شد. قوای سرکوبگر رژیم با بیرحمی تمام معترضین غیرمسلح و بی‌دفاع را به گلوله بست و در خلال ۱۰ روز قریب به ۱۵۰۰ نفر را به قتل رسانید. ۱۰ روز آبان خونین، ده روزی که ایران را به شدت تکان داد و در شوک فروبرد.

برنامه‌های اقتصادی نئولیبرالی، از جمله نسخه‌های

تجویزی «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی»، نیازمند این هستند تا جامعه از طریق شوک، وادار به اطاعت و پذیرش برنامه‌هایی شود که در شرایط عادی برای توده‌های مردم بسیار نامطلوب است. از اینرو کشتار آبان برای اجرای سیاست اقتصادی بود، که در شرایط آرام تحقق‌اش ممکن نبود. چنین سیاستی از نیاز سرمایه برای حفظ نظامی برمی‌خاست که لباس روحانیت بر تن کرده بود. لاشخواری که امروز در «دادگاه مردمی آبان» در لباس دوست ظاهر شده و برای قربانیان این فاجعه اشک تمساح می‌ریزند، خود مدافع سرسخت «دکترین شوک درمانی» «میلتون فردمن» و نئولیبرالیسم هستند و از کشتار مردم در شیلی، گواتمالا، پرو، حمله نظامی به یوگسلاوی، عراق، لیبی، افغانستان، سوریه، مالی، سومالی و غیره... حمایت می‌کنند و لذا فاقد صلاحیت سیاسی و اخلاقی در محاکمه دستار بندان جنایتکار حاکم هستند.

اینان به عنوان مجریان اوامر امپریالیسم غرب و ابزار فشار برای تحقق منافع راهبردی سیاسی و ژئوپلیتیک ابرقدرت آمریکا ایفای نقش می‌کنند.

صف دوستان و دشمنان کارگران و زحمتکشان را باید از هم تمیز داد و برای تشکیل دادگاه واقعی خلق، که تنها با سرنگونی رژیم سرمایه‌داری حاکم به دست مردم ایران ممکن است، خود را آماده کنیم.

یاد جانباختگان آبان گرامی!

تنگ و نفرت بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی! •



چند درس مهم از خیزش خونین آبان ۹۸

به مناسبت دومین سالگرد جنبش اعتراضی آبان ۹۸

یکم اینکه، خیزش مردم در آبانماه ۹۸ نشان داد که رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی حاکم تا به چه حد آمادگی تمرکز نیرو و سرکوب خشونت‌آمیز مبارزات و اعتراضات مردم را دارد و برای روز مبادا حساب باز کرده است. هرچه این مبارزات قهرآمیزتر گردد، خشونت ضدانقلاب متمرکز و فشرده‌تر خواهد شد. این نیروهای سرکوب شامل سپاه پاسداران، بسیجی‌ها، عوامل لباس شخصی، لومپن پرولتاریا، باندهای مخفی تروریستی فدائیان اسلام، که چندین هزار نفرند، و نیروهای سرکوبگر ضد شورش، که تا دندان به تجهیزات مدرن مجهزند و مأموران انتظامی و سرانجام حتی ارتشی خواهد بود. در پیش‌گیری از مبارزه مردم تمام نقاط راهبردی و مهم شهرها و جاده‌ها را با دوربین‌های چهره‌شناس تجهیز کرده‌اند، به طوری که بعد از سرکوب و آرامش در خیابان‌ها، تازه پیکرد مبارزان و معترضان بر اساس بررسی تصاویر و اطلاعاتی که در این مدت با حوصله جمع‌آوری نموده بودند، آغاز شد. سیاست سرکوب رژیم در تمام عرصه‌ها سازمان‌یافته و حساب‌گرانه بود. غافلگیری رژیم تنها از دامنه اعتراضات، سرعت گسترش و عمق آن بود.

دوم اینکه، خیزش آبانماه نشان داد که همه جنبش‌های فاقد رهبری سرکوب می‌شوند. برای پیروزی در

انقلاب به نیروی رهبری‌کننده و عامل آگاه سیاسی و یا شرایط ذهنی نیاز است. جنبش مردم برای اینکه پیروز شود، باید ستادفرماندهی در این جنگ داشته باشد. در جنگی که میان طبقات فرودست و حاکمان درمی‌گیرد، فرودستان نیز می‌بایستی در این نبرد سرداران خود را داشته باشند. توده بی‌رهبر و یا رهبران بی‌سپاه هرگز قادر به پیروزی نیستند.

سوم اینکه، بزرگ‌ترین درس جنبش آبان، جنبش کارگران و فرودستان برای غلبه بر رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و درهم شکستن ماشین سرکوب آن به حزب واحد طبقه کارگر، به حزبی مارکسیستی - لنینیستی نیاز است. طبقه کارگر بدون حزب نیرومندش گوشت دم توپ بورژوازی است. ایدئولوگ‌های بورژوازی با لباس‌های به ظاهر کارگری طبقه کارگر را از پیوستن به حزب بازمی‌دارند و برای آنها موعظه می‌کنند که آنها خودشان باید خود را بدون تشکل و حزب طبقاتی خودشان آزاد کنند. آنها به طبقه کارگر پیشنهاد خودکشی می‌دهند. تجربه خیزش خونین آبان این ترهات و تبلیغات شوم و مشکوک بورژوائی را رسوا ساخت. طبقه کارگر می‌بیند که بدون سازماندهی و رهبری حزب ماهیتاً کمونیستی قادر به آزادی خویش و سایر ستمدیدگان نیست.

یاد جانباختگان آبان گرامی باد! سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم ایران! مرگ بر امپریالیسم و مزدورانش! زنده باد حزیت!

پیروز باد سوسیالیسم، تنها پرچم‌رهای بشریت!

۲۴ آبان ۱۴۰۰ خورشیدی ●



معلمان معترض آرام نخواهند گرفت

در پی فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، گروه‌هایی از معلمان در اعتراض به اجرانشدن طرح رتبه‌بندی و همچنین مواردی چون برخورد‌های امنیتی، روز پنجشنبه ۲۰ آبان در شهرهای مختلف ایران دست به تجمع زدند. تصاویر و ویدیوهای از تجمعات در شهرهای شیراز، اهواز، کرمانشاه، قم، مریوان، شیروان، اراک، ایلام، لردگان، گناوه، اندیمشک و برخی شهرهای دیگر منتشر شده است. آزادی معلمان زندانی و بازگشت به کار آنان، آموزش رایگان و با کیفیت برای جوانان، اجرای نظام رتبه‌بندی، اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان و حل مشکلات آموزشیاران نهضت سوادآموزی، مریان پیش‌دستانی و معلمان خرید خدمت از جمله مطالبات معلمان ذکر شده است. تجمع‌کنندگان از مقامات جمهوری اسلامی خواستند که «بدون اغراض شخصی و جناحی، بدون فریبکاری، برای جلوگیری از اخطاط آموزش و پرورش کشور به خواسته‌های فرهنگیان توجه کرده و در برطرف کردن مشکلات آنان اقدام» کنند. آنان اعلام کردند که «هرگز اجرای ناقص رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را نخواهند پذیرفت» و «در صورت ادامه بی‌اعتنایی به خواسته‌های آنان، در چند هفته آینده این اعتراضات به شیوه‌های گوناگون همچنان دنبال خواهد شد.»

زنان و بازنشستگان؛ در خط مقدم با وجود آنکه به نظر می‌رسد شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان نیاز به بازبینی مجدد برای چگونگی سازماندهی برگزاری پرشور تجمعات صنفی معلمان و افزایش اثربخشی آن دارد، برخی از گروه‌های معلمان همچنان در خط مقدم مطالبه‌گری حضور

چه کشوری خطر برای صلح جهانی است؟

امپریالیسم آمریکا مدام بر طبل دروغین «صلح» می‌کوبد و از خطر بمب اتمی کره شمالی و یا «بمب اتمی» نداشته ایران سخن می‌گوید و عده‌ای هم دانسته یا ندانسته در دام تبلیغات و جعلیات این عفریت جهانی قرار می‌گیرند. خوب است به آمار رجوع کنیم:

- ایالات متحده آمریکا دارای ۲۵۰۰ کلاهک اتمی است
- روسیه دارای ۲۱۰۰ کلاهک اتمی است
- بریتانیا دارای ۲۲۵ کلاهک اتمی است
- فرانسه دارای ۳۵۰ کلاهک اتمی است
- چین دارای ۲۴۰ کلاهک اتمی است
- هند دارای ۷۵ - ۱۱۵ است
- پاکستان دارای ۶۵ - ۱۱۷ کلاهک اتمی است
- اسرائیل دارای ۲۰۰ - ۴۰۰ کلاهک اتمی است
- کره شمالی دارای ۵ - ۱۰ کلاهک است
- ایران، دارای صفر کلاهک اتمی است

شایان ذکر است که کره شمالی بارها اعلام کرده است که اگر آمریکا و سایر کشورها حاضر به محو و نابودی سلاح اتمی خود باشند، آنها نیز آماده‌اند. اما پاسخ آمریکا تاکنون منفی بوده است. با این توجیه که ماهیت بمب اتمی آمریکا «دمکراتیک» و ماهیت کلاهک اتمی کره «غیر دمکراتیک» است! همه صلح‌دوستان جهان باید خواهان نابودی و محو کامل سلاح هسته‌ای باشند و این خلع سلاح اتمی و نابودی آن طبعاً باید از بزرگ‌ترین تروریسم دولتی و خطرناک‌ترین کشور جهان، یعنی امپریالیسم آمریکا، که تاکنون این سلاح ضد بشری را در ژاپن بکاربرده و فاجعه آفریده، آغاز گردد و در خاورمیانه نیز از رژیم صهیونیستی و متجاوز اسرائیل، که چندین کشور را مورد تجاوز قرار داده و هر روز در سرزمین اشغالی جنایت می‌آفریند، آغاز نمود.

آیا احزاب بورژوا امپریالیستی و صهیونیستی ایرانی نظیر حزب «کمونیست کارگری» پیروان منصور حکمت، که اسرائیل را «دمکراتیک‌ترین و متمدن‌ترین» کشور خاورمیانه تبلیغ می‌کنند، به این سیاست صلح‌خواهانه تن می‌دهند؟ آیا احزاب سلطنت‌طلب و محافظ مختلف بورژوازی، که به امپریالیسم آمریکا دخیل بسته‌اند و مدافع تحریم و تجاوز نظامی به ایران و سایر ملل هستند، چنین سیاست صلح‌دوستانه‌ای را می‌پذیرند؟ با توجه به ماهیت سیاسی و تحریکات ارتجاعی آنها در چند دهه اخیر، محال است به زیان اربابش و علیه جنگ‌افروزی او و به نفع صلح و آرامش جهانی صف‌آرایی کنند.

زنده باد صلح!

نه به تجاوزات امپریالیستی!

آری به خلع سلاح اتمی! •

را برای آموزش و پرورش شاغلین و بازنشستگان به بهانه‌های گوناگون به تأخیر می‌اندازند. اجرای قانون را در حق فرهنگیان به بهانه‌ی افزایش تورم نادیده می‌گیرند. فرهنگیان که به زیر پا گذاشتن قانون توسط حاکمیت اعتراض می‌کنند، با برخوردهای شدید امنیتی مانند: زندان‌های طولانی مدت، ضرب و شتم در خیابان، اخراج، تبعید و محرومیت‌های گوناگون روبرو می‌شوند. ما تجمع کنندگان به حاکمیت هشدار می‌دهیم که بدون اغراض شخصی و جناحی، بدون فریبکاری، برای جلوگیری از اخطاات آموزش و پرورش کشور به خواسته‌های فرهنگیان توجه کرده و در برطرف کردن مشکلات آنان اقدام نماید.

- آزادی معلمان زندانی
- آموزش رایگان و باکیفیت برای جوانان
- اجرای نظام رتبه بندی ۸۰ درصد حقوق هیات علمی دانشگاه‌ها
- اجرای همسان‌سازی حقوق بازنشستگان
- بستن پرونده‌های فعالان صنفی
- مشکلات آموزشیاران نهضت سواد آموزی
- رسیدگی به مشکلات مربیان پیش دبستانی
- پاداش پایان خدمت بازنشستگان
- پرداخت حق التدریس معلمان
- رسیدگی به مشکلات معلمان خرید خدمت
- بازگشت به کار معلمان اخراجی
- انتخاب وزیر از میان فرهنگیان، واگذار کردن مدیریت صندوق ذخیره‌ی فرهنگیان به سهامداران آن صندوق.

حاکمان بدانند، اعتراضات و تجمعات فرهنگیان و سایر اقشار معترض جامعه پاسخ به سوء تدبیر آنهاست. معلمان کشور در قالب شورای هماهنگی اعلام می‌کنند، پیش‌تر موارد اشکال لایحه‌ی ثبت شده در سامانه‌ی مجلس، بوسیله‌ی شورای هماهنگی به آگاهی نمایندگان مجلس رسیده، بدون توجه به موارد یاد شده، هرگز اجرای ناقص رتبه بندی و همسان سازی حقوق بازنشستگان را نخواهند پذیرفت، در صورت ادامه‌ی بی‌اعتنایی به خواسته‌های آنان، در چند هفته‌ی آینده این اعتراضات به شیوه‌های گوناگون همچنان دنبال خواهد شد».

پررنگ دارند. زنان معلم و بازنشستگان فرهنگی از جمله گروه‌هایی هستند که در همه تجمعات صنفی حضور پررنگ‌تری نسبت به سایرین دارند. گرچه برخی از فعالان صنفی هشدار می‌دهند که تداوم روند انفعالی سایر معلمان نسبت به پیگیری مطالبات صنفی، تردید در میزان اثربخشی فراخوان‌های برگزاری تجمعات صنفی و همچنین افزایش فشارهای امنیتی بر فعالان صنفی معلمان، تهدیدی برای حضور مداوم این دو گروه مطالبه‌گر محسوب می‌شود.

بنا بر اخبار رسیده این تجمع در ۲۲ استان برگزار شده است.

فرهنگیان در استان لرستان در شهرهای بروجرد، دورود، الیگودرز، کوهدشت، پل دختر و خرم‌آباد در استان در شهرهای سقر، مریوان و سندر، دیواندره در استان خوزستان. در شهرهای دزفول، ایذه، اندیمشک، بندرماهشهر و اهواز در استان گیلان در شهرهای رشت و بندرانزلی در استان فارس در شهرهای شیراز، نورآباد و ممسنی، داراب در اصفهان در شهرهای اصفهان و شهرضا، استان در شهرهای آمل و نکا، ساری و بابل در استان همدان در شهرهای همدان و ملایر، در استان بوشهر در شهرهای بوشهر و گناوه در استان کرمانشاه در شهرهای کرمانشاه و سنقر در استان خراسان شمالی در شهرهای بجنورد و شیروان برگزار گردید.

همچنین تجمع در شهرهای زرین‌دشت چهارمحال و بختیاری، قم ایلام تبریز، یاسوج، اراک، یزد، زنجان، بوکان آذربایجان غربی با استقبال معلمان روبرو شد. فرهنگیان استان تهران و البرز نیز امروز در میان تدابیر شدید نظامی و امنیتی در مقابل مجلس دست به تجمع زدند و در پایان مسیر مجلس تا میدان بهارستان را راه‌پیمایی نمودند. در زیر قطعنامه پایانی تجمعات سراسری شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را می‌خوانید:

فرهنگیان شریف

«امروز پنج شنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۰ ما فرهنگیان در قالب شورای هماهنگی تشکلهای صنفی، در تجمعات گسترده‌ی سراسری، آمده‌ایم تا فریاد اعتراضی خود را نسبت به شیوه تقسیم بودجه و اختصاص درصد بسیار اندکی از سهم بودجه‌ی سالانه‌ی کشوری به آموزش و پرورش با توجه به جمعیت ۱۳ میلیونی دانش‌آموزان، جمعیت یک میلیونی معلمان، خانواده‌ی آنان و اهمیتی که نظام تعلیم و تربیت در زیر ساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی کشور دارد، اعلام کنیم. دولت‌ها و مجلس‌های گذشته بیش از ۱۴ سال است که اجرای قانون مدیریت خدمات کشوری

سرگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

این به این معناست که جامعه در آینده با یک فقر احتمالی از نظر نیروی کار متخصص دست به گریبان است. ال باید دید دلایل به وجود آورنده این وضعیت کدام‌اند؟ بسیار سطحی‌نگرانه و ساده‌اندیشی است که علت اصلی موضوع را، آن طور که خامنه‌ای اظهار داشت، توطئه دشمنان انگاشت. این اظهار نظر نوعی فرافکنی و شانه خالی کردن از بار مسئولیتی است که حکومت و در رأس آن خود شخص رهبر را متوجه می‌گردد.

سیاست‌های تنگ‌نظرانه و قرون وسطایی در حوزه آزادی‌های اجتماعی و سیاسی در کنار اجرای سیاست‌های اقتصادی نئولیبرالی در چهار دهه گذشته مسبب اصلی به وجود آمدن چنین وضعیتی است. تصفیه اساتید و دانشجویان به بهانه انقلاب فرهنگی، خفه کردن صدای منتقدان و احزاب سیاسی، قتل‌های زنجیره‌ای، حجاب اجباری و فشار بر زنان در عرصه اجتماعی، واگذاری بنگاه‌های اقتصادی به ثمن بخش به اعوان و انصار حکومت به بهانه سیاست خصوصی‌سازی، کاهش حمایتی از اقشار کم درآمد و عدم افزایش حقوق کارگران متناسب با رشد تورم، ایجاد شکاف طبقاتی وسیع و گسترش فقر از یکسو و تجمل‌گرایی از دیگر سو، خصوصی کردن آموزش و بهداشت و درمان به جای گسترش بیمه‌های اجتماعی، ایجاد صنایع ناسازگار با محیط‌زیست و منابع آب کشور و نابودسازی کشاورزی و در یک کلام نشان دادن فامیل سالاری و دارو دسته حاکمان به جای شایسته‌سالاری در تدبیر امور، مسببان اصلی این بحران و دیگر بحران‌های کشورند.

انتقاد از سیاست‌های کنترل جمعیت و یا انداختن مسئولیت به گردن دشمنان نه تنها مشکلی از این مسائل را حل نمی‌کند، بلکه طرح آن از سوی شخص اول حکومت، که خود سکاندار اصلی این کشتی در حال غرق است، طنز تلخی بیش نیست.

جامعه امروز ایران بر اثر سیاست‌های مخربی که برخی در سطور پیش به آن اشاره شد، در فشار و تنگناست. از سوی دیگر تحریم‌های کمر شکن امپریالیسم آمریکا فشار را صد چندان کرده است. اینهاست بطور فشرده دلایل خروج مردم، بویژه فرار مغزها از ایران. باشد تا با تداوم اعتراضات کارگران، معلمان، کشاورزان و بقیه اقشار جامعه و تحت رهبری حزب واحد طبقه کارگر طومار استبداد داخلی را با تکیه بر دستان پرتوان رنجبران در حین حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور و دفاع از حقوق ملت در مقابل زورگویان بین‌المللی درهم شکنیم و ایرانی آباد و آزاد و شکوفان بنا نهیم! چنین باد! ●



در حاشیه ادامه فرار مغزها از ایران و

سخنان اخیر خامنه‌ای

سخنان اخیر خامنه‌ای در خصوص تشویق سرمایه‌های معنوی کشور برای خروج از ایران از سوی دشمنان موضوعی در خور تأمل و واکاوی است.

پدیده مهاجرت نخبگان یا به عبارتی فرار مغزها و حتی در سطحی عام‌تر خروج جمعیت جوان کشور را می‌توان با رویکردهای متفاوتی مورد تحلیل قرار داد، که البته پرداختن به تمام این ابعاد از حوصله این مقاله خارج است.

ابتدا لازم است نگاهی گذرا به آمار مهاجران در طی چهار دهه گذشته و مقایسه آن با مقطع پیش از آن از حیث کمیت و کیفیت داشت. بنا به آمارهای ارائه شده از سوی منابع داخلی و بین‌المللی جمعیتی بالغ بر حدود سه میلیون ایرانی در خارج از ایران زندگی می‌کنند، که بیش از دو میلیون از این رقم در سال‌های مابین دهه شصت تاکنون از کشور خارج شدند. بیش‌تر مهاجرین ماقبل این سال‌ها به دلایل سیاسی و تحصیلی اقدام به مهاجرت کرده بودند. این در حالی است که به نظر می‌رسد موج‌های بعدی مهاجرت علاوه بر دو دلیل قبلی بیش‌تر به دلایل اقتصادی پدید آمده‌اند.

فارغ از اینکه در دنیای امروز پدیده مهاجرت چندان شگفت‌انگیز به نظر نمی‌رسد و اتباع بسیاری از کشورها برای دستیابی به موقعیت‌های بهتر زندگی اقدام به مهاجرت می‌کنند، باید اذعان داشت که این پدیده در ایران دارای ابعاد زیانبار است. از اینرو که بسیاری از جمعیت جوان کشور علی‌الخصوص افراد با تحصیلات عالی همه ساله از کشور خارج می‌شوند و متأسفانه نرخ بازگشت و یا ورود اتباع دیگر کشورها به ایران به خصوص از نظر کیفی با این خروجی تناسبی ندارد.

می‌آورند».

در این بیانیه تأکید شده است:

«حاکمان تصور می‌کنند که با سلب آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، حاکم کردن سکوت و خفقان بر جامعه و حذف فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، نویسندگان، زنان، خبرنگاران، هنرمندان، وکلای دادگستری و غیره از صحنه اعتراضات اجتماعی و مدنی می‌توانند به هدف خود برسند. اما این امید آنها واهی است و تلاش‌شان در این راه به شکست منجر خواهد شد. تاریخ بارها نشان داده که: چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند!».

در بخش پایانی این بیانیه علاوه بر افشای نام فعالان حقوق صنفی، وکلای دادگستری و اعضای کانون نویسندگان، که در زندان به سر می‌برند، نام برخی از فعالان صنفی و مدنی، که در ماه‌های اخیر به مراجع امنیتی و قضایی احضار و تهدید شده‌اند، فاش ساخته و خواهان آزادی بی‌قید و شرط و منع تعقیب فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، خبرنگاران، دانشجویان، حامیان حقوق کارگران، هنرمندان، زنان، وکلای دادگستری و دیگر فعالان مدنی شده‌اند.

«اکنون برای همگان مانند روز روشن است که بحران اقتصادی - اجتماعی - سیاسی و فرهنگی عمیقی بر جامعه‌ی ایران حاکم است. همچنین بر اکثریت عظیم افراد جامعه، بویژه کارگران و زحمت‌کشان پوشیده نیست که حاکمان اقتصادی و سیاسی مسئول اصلی بحران‌های بزرگی هستند که سال‌هاست بر زندگی بیش از ۹۵ درصد مردم تحمیل گردیده است. فقر و سیاه‌روزی و محرومیت اکثریت عظیم مردم از حداقل معیشت، مسکن، بهداشت، آموزش، فرهنگ و بیمه‌های اجتماعی به طور روزافزونی شدت می‌یابد و در همان حال سرمایه، دارائی و درآمد اقلیت حاکم سر به فلک می‌کشد.

اما فشار خردکننده بر کارگران و زحمت‌کشان تنها در عرصه‌ی اقتصادی نیست. هرچه بر شرایط فلاکت‌بار اقتصادی و اجتماعی افزوده می‌گردد، تهاجم قدرت سیاسی حاکم بر فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و مدنی و به طور کلی به معترضان وضع موجود نیز اضافه می‌گردد. افزایش دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و احضار به مراکز قضایی و امنیتی و زندانی کردن فعالان در یکماه گذشته حاکی از آن است که نهادهای حاکم در مقابل فقر



بیانیه مشترک

«سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه»، «سندیکای رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران»، «کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر»، «کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز»، «کمیته پیگیری ایجاد تشکل‌های کارگری»، «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری»، «گروه اتحاد بازنشستگان» و «اتحاد سراسری بازنشستگان» با انتشار بیانیه‌ای به افشای نام ۵۴ تن از فعالان صنفی حقوق معلمان، کارگران، وکلای دادگستری و روزنامه‌نگاران مدافع حقوق کارگران، که به مراجع امنیتی و قضایی احضار و یا بازداشت شده‌اند و زندانیان مرتبط با این گروه‌های اجتماعی، احضار، بازداشت و زندانی کردن فعالان جنبش‌های کارگری، اجتماعی و مدنی» پرداخته و آنرا محکوم کرده‌اند. در این بیانیه، که مورخ ۲۶ آبان منتشر شد، آمده است:

«افزایش دستگیری‌ها، بازداشت‌ها و احضار به مراکز قضایی و امنیتی و زندانی کردن فعالان در یکماه گذشته حاکی از آن است که نهادهای حاکم در مقابل فقر گسترده و روزافزون، بیکاری، تورم افسارگسیخته، عدم اطمینان به آینده و در یک کلام به بحرانی که زندگی اکثریت زحمت‌کشان جامعه را به تبااهی می‌کشاند، پاسخی جز سرکوب، ارباب و بازداشت و زندان ندارند. نهادهای حاکم در مقابل اعتراض به حق و طبیعی فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، فعالان اجتماعی و مدنی، در مقابل ابتدائی‌ترین خواست‌هایی که برای انسان جزء بدیهی‌ترین حقوق به شمار می‌رود، به سلاح سرکوب و اختناق روی



در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار، گزارشات و اعتراضات کارگری آبانماه ۱۴۰۰

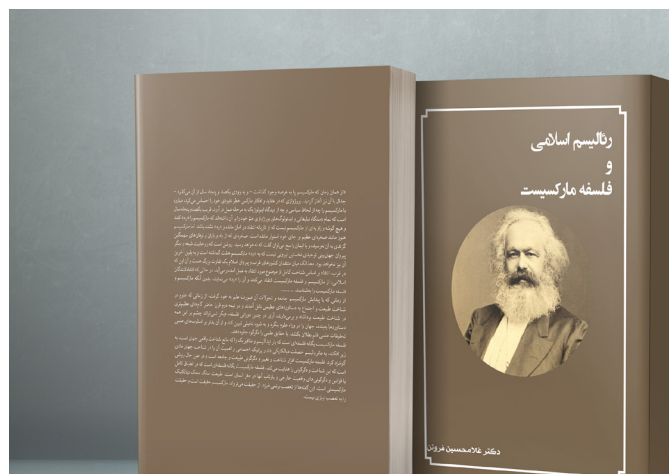
دو سال از خیزش آبان ۹۸ گذشت. در این دو سال تقریباً هر روز در گوشه‌ای از این وطن به خون کشیده شده، تجمع، اعتصاب و یا راهپیمایی از طرف کارگران، فرهنگیان، بازنشستگان و یا دیگر زحمتکشان برگزار شد. و از طرف دیگر حاکمان مستبد ضد مردمی با تمام قوا تلاش کردند تا صدای حق طلبانه مردم را خاموش کنند. طبقه سرمایه دار و نمایندگان حاکم شان در این دو سال نیز کماکان به دنبال وارد ساختن شوک های دیگر به جامعه بودند تا سیاست‌های تئولبرالی را به مورد اجرا بگذارند. مسئولان رژیم قصد ندارند تا به هیچ وجه به سیاست‌های خائنان برانداز و ایران برپاداده و سرکوب‌گرانه نقطه پایانی بگذارند. در این رابطه رژیم در تمامیت خود از شکل‌گیری تشکلات مستقل کارگری جلوگیری می‌کند و برای سرکوب و نابودی تشکلات موجود تلاشی دیوانه‌وار به خرج می‌دهد.

مبارزات کارگران و زحمتکشان بدون هرگونه وقفه‌ای ادامه دارد، ولی از آنجائی که کارگران و دیگر زحمتکشان، تشکلات واحد، سراسری و قوی ندارند، در مبارزه خود به نتایج ملموس و بزرگی دست پیدا نمی‌کنند. بخشی از فعالین کارگری و مدنی متأسفانه درگیر انحرافات نظری فلج‌کننده و نابودکننده‌ای هستند که مشکلات بزرگی را در مقابل طبقه کارگر و تشکلات کارگری قرار داده‌اند، مشکلاتی که ضربات بزرگی را به مبارزات کارگری زده و در آینده نیز بدون مبارزه با این انحرافات، رسیدن

گسترده و روزافزون، بیکاری، تورم افسار گسیخته، عدم اطمینان به آینده و در یک کلام به بحرانی که زندگی اکثریت زحمتکشان جامعه را به تباهی می‌کشاند، پاسخی جز سرکوب، ارباب و بازداشت و زندان ندارند. نهادهای حاکم در مقابل اعتراض بحق و طبیعی فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، فعالان اجتماعی و مدنی، در مقابل ابتدائی‌ترین خواسته‌هایی که برای انسان جزء بدیهی‌ترین حقوق به شمار می‌رود، به سلاح سرکوب و اختناق روی می‌آورند.

این شیوه‌ای است که در ۴۳ سال گذشته به طور رسمی و متوالی از سوی حکومت‌گران در سطح جامعه به اجرا درآمده و تشدید شده است. هدف این روش سرکوب‌گرانه، که اولویت خود را به بندکشدن فعالان جنبش‌های کارگری، اجتماعی و سیاسی قرار داده است، حفظ منافع و سلطه استثمارگران بر جامعه است. حاکمان تصور می‌کنند که با سلب آزادی‌های اجتماعی و سیاسی، حاکم کردن سکوت و خفقان بر جامعه و حذف فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، نویسندگان، زنان، خبرنگاران، هنرمندان، وکلای دادگستری و غیره از صحنه اعتراضات اجتماعی و مدنی می‌توانند به هدف خود برسند. اما این امید آنها واهی است و تلاش‌شان در این راه به شکست منجر خواهد شد. تاریخ بارها نشان داده که: چنان نماند و چنین نیز هم نخواهد ماند!

هشت تشکل مستقل کارگری پیرامون سرکوب فعالان جنبش‌های کارگری، اجتماعی و مدنی •



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتن با ما تماس حاصل فرمائید

امضاء کننده این متن، که در بند ۸ اوین محبوسیم، رئیس قوه مجریه را که وزارت اطلاعات در زیر مجموعه خود دارد، فرمانده سپاه، که مسئولیت اطلاعات سپاه با او است و بیش از همه به رئیس قوه قضاییه، که قضات، دادستانی و سازمان‌ها، سازمان زندان‌ها را سرپرستی می‌کند، هشدار می‌دهیم چنانچه مواردی اساسی نظیر خارج کردن دادگاه‌ها و زندان‌ها از سیطره پرفشار ضابطان و نیروهای امنیتی، تفکیک محل حبس زندانیان سیاسی از سایر محکومان و تجدید محاکمه محکومین سیاسی در دادگاه‌های صالحه علنی صورت نپذیرد، می‌بایست منتظر واکنش‌ها و حرکت‌هایی پرهزینه در زندان‌ها بود.

۱۵ آبان

«عسل محمدی» و «هیراد پیربدایی» فعالین کارگری توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در تهران بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. مأموران در زمان بازداشت متوسل به خشونت شده و در ورودی منزل این شهروندان را شکسته‌اند. روز گذشته این شهروندان به همراه ۷ تن از فعالین مدنی دیگر «بهنام چگنی»، «امیرعباس آذرموند»، «یاشار تبریزی»، «محسن برزگر»، «سیاوش رضاییان»، «مهرناز حقیقی» و «جمال عاملی» با حضور در دفتر قضایی نسبت به نگهداری متهمان در «سلول‌های انفرادی» اعلام شکایت کرده بودند.

۱۶ آبان

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در اعتراض به پرونده‌سازی علیه فعالان صنفی و احضار به دادگاه «لطیف روزی‌خواه»، «جعفر ابراهیمی» و «محمود ملاکی» بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران ضمن اعتراض به نگاه حاکمیت به مقوله آموزش و پرورش، کنش‌ها و فعالان صنفی، خواهان پایان دادن به روند پرونده‌سازی، احضار و بازداشت تمامی فعالان صنفی و مدنی از جمله «جعفر ابراهیمی»، «لطیف روزی‌خواه»، «مهدی فتحی»، «غلامرضا غلامی‌کندازی»، «محمود ملاکی» و سایر کنشگران بوده، این شیوه درپیش گرفته شده را محکوم و حق دفاع همه‌جانبه از همکاران آسیب‌دیده را برای خود محفوظ و برحق می‌داند و یادآور می‌شود، در صورت تداوم چنین برخوردهایی با فعالان صنفی، با کنش‌های فرهنگیان روبرو خواهید شد».

۱۸ آبان

دادگاه کیفری کرج «جعفر ابراهیمی»، فعال صنفی و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران را از اتهام «نشر اکاذیب» تبرئه نمود. شورای

به هدف را برای طبقه کارگر مشکل می‌سازد. همواره نظراتی از جانب ناآگاهان و منحرفین و نظریه‌پردازان بورژوازی در میان طبقه کارگر و فعالان کارگری تبلیغ شده است که کارگران را از روشنفکران کارگری جدا می‌خواهد، می‌خواهد کارگران و زحمتکشان را بدون تشکل و رهبری در مقابل سرمایه‌داران و در مبارزه طبقاتی رها کند، تا مبارزه کارگران به ثمر نرسد!! اینان در بهترین حالت ناآگاهانی هستند که خود را در پشت شعارهای به ظاهر «چپ» و بی‌پشتوانه پنهان می‌کنند. ولی در میان‌شان نظریه‌پردازانی هستند که برای نابودی تشکلات کارگری و برای بی‌نتیجه‌ساختن آنها و به شکست‌کشاندن اعتصابات صنفی تلاش می‌ورزند. باید در مقابل این دشمنان کارگران، که با لباس «چپ» به میدان آمده‌اند، ایستاد و نقاب از چهره‌شان درید.

آبانماه کارگران نفت، فرهنگیان شاغل و بازنشسته، کارگران شرکت واحد و دیگر کارگران و زحمتکشان در اشکال متنوع به مبارزات خود ادامه دادند که در گزارشات و بیانیه‌های سیاسی بازتاب یافته است. در زیر توجه خوانندگان گرامی را به مختصری از رویدادهای کارگری در آبانماه جلب می‌کنیم:

اخبار سرکوب و مقاومت

۵ آبان

خانم «محبوبه فرحزادی»، معلم بازنشسته، به سه ماه زندان، با یک و نیم میلیون تومان جریمه نقدی و توقیف یک دستگاه گواشی همراه و ممنوعیت از حضور در تجمعات و گردهمایی و جلسات به مدت ۲ سال محکوم گردید.

۷ آبان

انجمن قلم (پن) آمریکا با انتشار بیانیه‌ای، به اجرای حکم زندان «آرش گنجی» اعتراض خود را اعلام داشت.

۹ آبان

تعدادی از زندانیان سیاسی «بکتاش آبتین»، «سید افخم ابراهیمی»، «پیمان پورداد»، «معین حاجی‌زاده»، «حمید حاج جعفر کاشانی»، «مجتبی خسروی بابادی»، «مهران رئوف»، «سجاد شکری»، «خسرو صادقی بروجنی»، «غلامرضا صفری»، «کیوان صمیمی»، «صادق عباسی»، «محمود علینقی»، «ابوالفضل غسالی»، «سیروس قرچه»، «حسین کیهانی»، «مهدی محمدی»، «امیرحسین میرخلیلی» و «مجتبی نایری» در محکومیت شکنجه سفید در زندان‌ها هشدار دادند. در این نامه، که مسئولان قضایی و امنیتی را مخاطب قرار داده است، آمده است: «... ما زندانیان سیاسی

تخصن و تجمع زدند، که به خشونت کشیده شد.

۷ آبان

کانون صنفی معلمان تهران با انتشار بیانیه‌ای پرونده‌سازی برای «جعفر ابراهیمی» را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... کانون صنفی معلمان ضمن اعلام پشتیبانی و حمایت قوی از این عضو فعال خود، خواهان مخومه اعلام نمودن پرونده تمام فعالان مدنی و صنفی از جمله جعفر ابراهیمی و بازگشت طراحان این اقدامات به قانون، عدالت محوری به معنای واقعی کلمه و تعهد به رعایت آزادی‌ها و حقوق ملت دست‌کم در چارچوب همین قوانین موجود می‌باشد».

۸ آبان

فرهنگیان شاغل و بازنشسته ایران از استان‌های خوزستان، فارس، اصفهان، مازندران، البرز، تهران، قم، سیستان و بلوچستان و ... به تهران آمده و در اعتراض به وضعیت آشفته آموزش و پرورش کشور در جلوی مجلس و سازمان برنامه و بودجه دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان اجرای طرح «رتبه‌بندی شاغلان هشتاد درصد حقوق هیات علمی» و «همسان‌سازی حقوق بازنشستگان مبتنی بر قانون مدیریت خدمات کشوری» شدند.

شماری از سرایداران مدارس مقابل ساختمان مجلس در تهران نسبت به وضعیت بد معیشتی و سطح پایین حقوق‌هایشان دست به تجمع اعتراضی زدند.

۲۰ آبان

تجمعات فرهنگیان بازنشسته و شاغل با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در ۷۵ شهر «تهران، البرز، اصفهان، کرمانشاه، سنقر، کلیایی، رشت، بندر انزلی، سنج، لردگان، بجنورد، شیروان، قم، شیراز، زرین دشت، نورآباد و ممسنی، فراشبند، داراب، ایلام، پلدختر، خرم‌آباد، الیگودرز، بروجرد، کوهدشت، درود، تبریز، اهواز، ایذه، ماهشهر، اندیمشک، یاسوج، بوشهر، گناوه، اراک، کامیاران، ساری، بابل، آمل، نکا، همدان، ملایر، زنجان، یزد، دزفول، قزوین، بوکان، جلفا، داران، جوانرود، دیواندره، مریوان، سقز، بندرعباس، خرم‌بید، ارومیه، تاکستان، مشهد، کرمان، شهرکرد، گچساران، دهدشت، لوداب، اسلام‌آباد، شهربابک، شهرضا، مرودشت، بهبهان، خمینی شهر، جهرم، ابهر، رزن، میاندوآب، باغملک، نجف‌آباد، بیرجند و اردبیل» از ۲۹ استان برگزار گردید. در پایان تجمع اعتراضی قطعنامه صادر شده توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را در بعضی از شهرها خوانده شد. در این قطعنامه آمده است:

هماهنگی با انتشار اطلاعیه‌ای خواستار توقف احضار و پرونده‌سازی علیه معلمان شد و بر آزادی معلمان دربند و بازگشت به کار معلمان اخراجی تاکید کرد.

۲۲ آبان

«کیوان صمیمی»، زندانی سیاسی محبوس در زندان اوین، که از بند ۸ زندان اوین به بازداشتگاه وزارت اطلاعات موسوم به بند ۲۰۹ منتقل شده بود، به بند ۶ منتقل شد. بند ۶ زندان اوین بند زندانیان خدماتی و کارگری است و هیچ یک از زندانیان سیاسی در آنجا حضور ندارند. این اقدام نهادهای امنیتی و مسئولین زندان به قصد آزار و اذیت و متزوی کردن زندانیان سیاسی صورت می‌گیرد تا به این شکل مانع از اعتراضات جمعی زندانیان سیاسی شوند.

وکیل «جعفر ابراهیمی» از سوی دادگاه انقلاب پذیرفته نشد و «جعفر ابراهیمی» ضمن تأکید بر حق قانونی خود مبنی بر انتخاب آزادانه وکیل از پذیرش وکیل مورد تأیید تبصره ماده ۴۸ امتناع نموده است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران با انتشار بیانیه‌ای هر نوع پرونده‌سازی برای فعالان از جمله «جعفر ابراهیمی» را محکوم نمود و به عملکرد خلاف قانون قاضی نیز اعتراض خود را اعلام داشت.

۲۶ آبان

هشت تشکل مستقل کارگری، بازنشستگان و معلمان «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کانون صنفی فرهنگیان اسلامشهر، کانون صنفی فرهنگیان الیگودرز، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری ایران، گروه اتحاد بازنشستگان، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری» در محکومیت موج اخیر احضار و بازداشت فعالین صنفی و همچنین محکومیت احکام قضایی و زندان علیه فعالان صنفی اطلاعیه مشترکی را منتشر ساختند. در این اطلاعیه آورده‌اند: «... ما امضاکنندگان این بیانیه احضار، بازداشت و زندانی کردن فعالان کارگری، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، خبرنگاران، دانشجویان، حامیان حقوق کارگران، هنرمندان، زنان، وکلای دادگستری و دیگر فعالان مدنی را محکوم می‌کنیم و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط همه آنان و منع تعقیب ایشان هستیم».

فرهنگیان

۵ آبان

کارکنان دانشگاه آزاد، واحد «یادگار امام» واقع در شهر ری، در راستای اعتراض به سوء مدیریت‌های موجود در دانشگاه در محوطه این دانشگاه دست به

«... ما تجمع کنندگان به حاکمیت هشدار می‌دهیم که بدون اغراض شخصی و جناحی، بدون فریبکاری، برای جلوگیری از انحطاط آموزش و پرورش کشور به خواسته‌های فرهنگیان توجه کرده و در برطرف کردن مشکلات آنان اقدام نماید. ... معلمان کشور در قالب شورای هماهنگی اعلام می‌کنند، پیش‌تر موارد اشکال لایحه ثبت شده در سامانه مجلس، بوسیله شورای هماهنگی به آگاهی نمایندگان مجلس رسیده، بدون توجه به موارد یاد شده، هرگز اجرای ناقص رتبه‌بندی و همسان‌سازی حقوق بازنشستگان را نخواهند پذیرفت، در صورت ادامه بی‌اعتنایی به خواسته‌های آنان، در چند هفته آینده این اعتراضات به شیوه‌های گوناگون همچنان دنبال خواهد شد.»

در تهران پیش از تجمع، لباس شخصی‌ها و پلیس در مقابل مجلس مستقر بودند تا مانع شکل‌گیری تجمع شوند، اما با حضور پرشور فرهنگیان شاغل و بازنشسته از البرز و تهران تجمع شکل گرفت اما در تمام مدت پلیس برای پایان دادن به تجمع فشار می‌آورد. در پایان تجمع معلمان از مسیر مجلس تا مترو بهارستان راهپیمایی کردند. پس از پایان تجمع نیروهای امنیتی لباس شخصی در مترو بهارستان با حمله به معلمان داخل مترو قصد بازداشت چند تن از معلمان را داشتند که پس از ضرب و شتم چند تن از معلمان، که قصد سوارشدن به مترو را داشتند، آقای «مسعود فرهیخته» از فعالین بازنشسته معلم و چند تن دیگر از فرهنگیان را بزور بازداشت کردند. معلمان محل را ترک نکردند و چندین ساعت پیگیر بودند تا در نهایت بازداشت شدگان آزاد شدند.

نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاه‌ها

۱ آبان

چهارمین روز اعتصاب رانندگان پارس جنوبی در عسلویه منطقه «شیرینو».

۳ آبان

از روز اول آبانماه، مینی‌بوس‌داران شاغل در تمامی شرکت‌های پارس جنوبی در اعتراض به پایین بودن دستمزد و سایر مطالبات اقدام به اعتصاب و مسدود نمودن تعدادی از مسیرهای بین پالایشگاهی کردند.

۵ آبان

کارگران شرکت نفت و گاز پایندان بیش از ۵ ماه است که هیچ حقوقی دریافت نکرده‌اند و در اعتراض به این شرایط بارها دست به اعتصاب و اعتراض زدند. در تجمع اعتراضی اخیر یکی از کارگران بخاطر وضعیت بد معیشتی و عدم پرداخت حقوق از سوی کارفرما و پیمانکار قصد خودکشی داشت که دیگر

کارگران مانع این کار شدند. جمعی از کارگران حجمی شرکت پتروشیمی گچساران با خواست دائمی شدن قراردادهای کاری خود مقابل ساختمان فرمانداری دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران در همین رابطه در روزهای گذشته نیز در محوطه شرکت تجمع داشتند.

۸ آبان

کارگران پتروشیمی رازی برای چندمین روز پیاپی در اعتراض به عدم تحقق وعده‌های مدیران و مشکلات حقوق و مزایا دست از کار کشیدند و مقابل ساختمان مرکزی شرکت تجمع کردند. از جمله خواسته‌های کارگران معترض تخصیص پاداش و مزایای رفاهی متناسب با منطقه، افزایش کیفیت وعده‌های غذایی، به‌روزرسانی طرح طبقه‌بندی مشاغل و بیمه تکمیلی بوده است. اعتصاب کارگران باعث شده آورهای شرکت نیز متوقف گردد.

کارکنان قراردادی اتاق کنترل، سایت و کارگران واحد تعمیرات پتروشیمی بیستون کرمانشاه در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان دست به اعتصاب زدند و در محوطه شرکت تجمع کردند.

۹ آبان

شماری از کارگران پتروشیمی آبادان برای دومین روز در اعتراض به اخراج ۴ همکار خود و برای پیگیری دیگر مطالبات‌شان دست به تجمع زدند. اصلاح طرح طبقه‌بندی مشاغل و افزایش سطح حقوق‌ها، دائمی شدن قراردادهای کاری و داشتن امنیت شغلی، بازگشت به کار ۴ نفر از همکاران اخراجی از جمله مطالبات اعلام شده این کارگران است.

۱۰ آبان

کارگران پتروشیمی رازی برای چندمین روز متوالی در اعتراض به خلف وعده‌های داده شده از سوی مدیران دست به اعتصاب زدند. این کارگران بر روی خواست‌های فوری، چون تخصیص پاداش و مزایای رفاهی متناسب با منطقه، افزایش کیفیت وعده‌های غذایی، به‌روزرسانی طرح طبقه‌بندی مشاغل و بیمه تکمیلی تأکید دارند.

۱۲ آبان

کارگران پالایشگاه پارسیان مهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات خود بار دیگر در مقابل پالایشگاه تجمع کردند. کارگران خواستار پرداخت حقوق‌ها در هر ماه بطور منظم و طلب‌های مزدی خود هستند. تعدادی از نیروهای دستور حجم کاری شاغل در شرکت بهره‌برداری نفت و گاز گچساران در اعتراض به عدم پرداخت چند ماهه حقوق خود برای روز دوم در محوطه این شرکت تجمع برگزار کردند.

۱۹ آبان

اعتصاب کارگران مخازن نفتی در پتروشیمی کوه مبارک جاسک، «شرکت پیمانکاری کیسون» در اعتراض به پرداخت نشدن ۶ ماه حقوق و نداشتن بیمه و وضعیت نامشخص شغلی وارد یازدهمین روز خود شد. در روز اول اعتصاب کارگران نفت کوه مبارک جاسک، «هادی ابراهیمی»، مدیرکل کار و تعاون اجتماعی استان هرمزگان، وعده داد دستمزد این کارگران ظرف ۴۸ ساعت پرداخت خواهد شد.

۲۵ آبان

جمعی از کارگران شرکت تأسیسات حفاری گلوبال پتروتک کیش در اهواز در اعتراض به عدم پرداخت هفت ماه دستمزد و حق بیمه خود دست به تجمع زدند. کارگران شرکت حفاری گلوبال پتروتک کیش در اهواز خواستار پرداخت فوری طلب‌هایشان شدند.

۲۹ آبان

کارگران پتروشیمی آبادان به دلیل وضعیت بد معیشتی و عدم رسیدگی به مطالبات‌شان و خلف وعده‌ها، در محوطه کارگاهی این مجتمع، تجمع اعتراضی برگزار کردند و خواهان پاسخگویی مسئولان شدند. در روزهای ۲۶ و ۲۷ آبان نیز کارگران تجمع اعتراضی برگزار کرده بودند.

بازنشستگان

۱ آبان

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با انتشار بیانیه‌ای اقدام به خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران را محکوم ساخت. در این بیانیه آمده است: «... کارگران، بازنشستگان و بیمه‌شدگان سازمان تأمین اجتماعی! بانک رفاه کارگران اموال دولتی نیست که آن را به بخش خصوصی واگذارند! اجازه ندهیم بانک رفاه کارگران را به یغما ببرند. ...»

۳ آبان

شماری از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد از شهرهای اهواز، اصفهان، شاهرود، تهران و ... طبق فراخوان از پیش اعلام‌شده مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد در تهران تجمع کردند. افزایش دو میلیون تومانی متوسط حقوق بازنشستگان صندوق فولاد (اجرای صحیح مصوبه متناسب‌سازی)، انتقال به جدول ۷ قانون بودجه، درمان فولاد و برقراری خدمات رفاهی مطابق تعهدات آیین‌نامه استخدامی فولاد چهار مطالبه اصلی بازنشستگان فولاد است. بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق فولاد به صورت نمادین در اعتراض به وضعیت معیشت خود، بر سر سفره خالی

نشستند!

۴ آبان

جمعی از بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق بازنشستگی فولاد تهران مقابل ساختمان صندوق مرکزی فولاد در تهران تجمع کردند و خواستار تحقق مطالبات معیشتی و حقوقی خود شدند. گروهی از بازنشستگان و کارکنان شرکت هواپیمایی (هما) در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی خود مقابل وزارت راه و شهرسازی تجمع کردند.

۸ آبان

بیش از ۲۰۰۰ کارگر و بازنشسته با امضای طوماری خواستار لغو خصوصی‌سازی بانک رفاه شدند. به گزارش کانال شبکه خبری بازنشستگان به نقل از ایلنا در روزهای گذشته، نامه‌ای به شماره ۷۳۶۴۲۵۵۴ در اعتراض به خصوصی‌سازی بانک رفاه، تحویل دبیرخانه سازمان تأمین اجتماعی شد.

۹ آبان

بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی همزمان در شهرهای تهران، رشت، تبریز، کرمانشاه، اهواز، مشهد و ... در اعتراض به سطح نازل حقوق و مستمری‌ها، مشکلات بیمه تکمیلی و وضعیت بد معیشتی و عدم اجرای همسان‌سازی در مقابل اداره تأمین اجتماعی این شهرها دست به تجمع زدند. جمعی از بازنشستگان شرکت مخابرات ایران در محوطه ساختمان معاونت مالی مخابرات ایران تجمع اعتراضی برپا کردند و خواهان تحقق مطالبات خود شدند.

۱۶ آبان

کارگران بازنشسته اهواز مقابل سازمان تأمین اجتماعی استان خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند. بازنشستگان و مستمری‌بگیران صندوق فولاد اصفهان و اهواز همزمان برای پیگیری مطالبات برحق خود، مقابل صندوق بازنشستگی شهرهای خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۷ آبان

بازنشستگان سال ۱۳۹۹، نیشکر هفت تپه، جهت دریافت سنوات با مزایا برای سومین روز، مقابل ساختمان اداره کار شهرستان شوش دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار اصلاح احکام پرداخت سنوات بازنشستگی خود شدند.

۱۸ آبان

فرهنگیان بازنشسته سال ۱۳۹۹ در برابر سازمان برنامه و بودجه در تهران، در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش خدمت خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۲ آبان

خصوصی شرکت واحد تهران در اعتراض به عدم تعهدات شرکت واحد در واگذاری اتوبوس‌ها به رانندگان بعد از ده سال، در مقابل دادسرای کارکنان دولت واقع در میدان منیریه تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و از آنجا با تظاهرات و راهپیمایی به سمت دفتر قوه قضاییه رفتند.

۳۰ آبان

کارگران شرکت واحد با خواست اجرای بازنگری طرح طبقه‌بندی مشاغل، شارژ کارت اعتباری و غیره.. طوماری اعتراضی شامل ۱۰ بند در دبیرخانه شهرداری تهران و شورای شهر تهران به ثبت رساندند. در این طومار در ۷۲ صفحه با تعداد ۷۰۰ امضاء آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اعلام می‌کند در صورت عدم رسیدگی به مطالبات به حق رانندگان و کارگران شرکت واحد، عواقب ناشی از اعتراضات به عهده شورای شهر و شهرداری و مدیریت شرکت واحد خواهد بود. لذا اعتراض و حق خواهی را حق مسلم خود می‌دانیم».

شهرداری ۱ آبان

نیروهای شرکتی ایثارگران شهرداری اهواز مقابل درب استانداری خوزستان دست به تجمع اعتراضی زدند و خواستار تبدیل وضعیت استخدامی خود شدند.

۶ آبان

کارگران شهرداری خرمشهر دست به اعتصاب زدند و در برابر فرمانداری این شهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و مطالبات‌شان مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.

۹ آبان

کارگران فضای سبز (پارک ملت) روزان دشت کاسپین در قزوین در اعتراض به عدم پرداخت ۴ ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند.

۱۲ آبان

کارگران خدماتی شهرداری کوت عبدالله در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌هایشان در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند. کارگران خدماتی شهرداری کوت عبدالله ۴ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند و چندین ماه هم حق بیمه آنها پرداخت نشده است.

۱۵ آبان

کارگران شهرداری بندر ماهشهر نسبت به مردها و حق بیمه‌های پرداخت نشده خود، مقابل فرمانداری ماهشهر تجمع اعتراضی برگزار کردند.

گروهی از بازنشستگان هواپیمایی (هما) در اعتراض به حقوق معوقه و مخالفت با انتقال صندوق بازنشستگان هما، به صندوق بازنشستگی کشوری، مقابل ساختمان اداره مرکزی فرودگاه مهرآباد تجمع کردند و به صورت نمادین سفره خالی بر روی دست گرفتند.

۲۳ آبان

بازنشستگان صنعت فولاد اصفهان و اهواز در برابر صندوق بازنشستگی شهرهای خود در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۳۰ آبان

کارگران بازنشسته تأمین اجتماعی خوزستان در میدان کارگر روبروی سازمان تأمین اجتماعی شهر اهواز، در ادامه اعتراضات به سیاست‌های سازمان تأمین اجتماعی و دولت، نسبت به پایین بودن سطح مستمری‌های خود تجمع اعتراضی برگزار کردند. بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی شهر رشت، در برابر «خانه کارگر»، نسبت به پایمال شدن حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

بازنشستگان صنعت فولاد اهواز و اصفهان در برابر «صندوق بازنشستگی فولاد» شهرهای خود، در اعتراض به پایمال شدن حقوق خود تجمع اعتراضی برگزار کردند.

شرکت واحد

۴ آبان

رانندگان اتوبوس‌های بخش خصوصی شرکت واحد تهران نسبت به فساد گسترده و رانت در بخش خصوصی اتوبوسرانی شرکت واحد و بلا تکلیفی رانندگان این بخش در مالکیت اتوبوس‌ها، با روشن کردن چراغ اتوبوس‌های خود اعتراض خود را اعلام داشتند. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ضمن حمایت از خواسته‌های رانندگان بخش خصوصی در اطلاعیه‌ای اعلام داشت: «... تجربه نشان داده که خصوصی‌سازی و پیمانکارهای خصولتی، که از نهادهای حکومتی هستند، چیزی جز فساد، اختلاس، تباهی و سوء استفاده‌های رانتی برای اشخاص خاص در بر نداشته و ندارد. ... تمام خواسته‌ها با اتکا به نیروی و قدرت و اراده‌ی جمعی خود کارگران و رانندگان میسر خواهد شد و قطعا با اتحاد و همبستگی بین کارگران حمل و نقل درون شهری و برون شهری، مطالبات و خواسته‌ها دست یافتنی خواهد شد».

۲۳ آبان

برای دومین بار در این ماه تعدادی از رانندگان بخش

۲۲ آبان

کارگران و پرسنل شرکتی، قراردادی و حجمی شهرداری اهواز مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران دیگر

۱ آبان

جمعی از کارگران و رانندگان اداره راهداری و حمل و نقل جاده‌ای شهرستان مریوان در اعتراض به کاهش حقوق و مزایا در مهرماه و به حداقل رساندن پرداخت بیمه دست از کار کشیدند.

جمعی از نیروهای شرکتی سازمان منطقه آزاد، در اعتراض به کاهش حقوق ماهیانه و همچنین عدم ساماندهی قراردادهای در مقابل تعاونی کارکنان منطقه آزاد ارس تجمع کردند.

۲ آبان

کارگران پروژه‌ی لجینگ معدن سونگون ورزقان، از نیروهای شرکت آهن آجین، در اعتراض به عدم پرداخت مزایا دست به اعتصاب و تجمع زدند.

۳ آبان

در شهرهای سنندج، کامیاران، سروآباد، مریوان، قروه، بیجار، دیواندره، سقز و بانه رانندگان و کارگران راهداری کردستان به اعتصاب عمومی پیوستند، و مطالبات خود را، که شامل تغییر وضعیت استخدامی، افزایش دستمزد، در نظر گرفتن هزینه شرایط سختی کار و بالابردن حق بیمه، که مسئولین آنرا به حداقل رساندند، فریاد زده و خواستار رسیدن به خواسته خود شدند.

دیدهبانان شهرستان‌های بویراحمد و مارگون جلوی اداره کل منابع طبیعی استان کهگیلویه و بویراحمد تجمع کردند.

۸ آبان

جمعی از کارگران معترض ماشین سازی تبریز، در اعتراض به تداوم سوء مدیریت‌ها در این مجموعه بزرگ صنعتی، ۱۱ نفر از مدیران و مشاوران جدید این کارخانه را بیرون کردند. مدیرعامل کارخانه نیز همزمان با این اقدام کارگران، برای جلوگیری از تسری تنش‌ها و درگیری‌ها به خود، به سرعت اقدام به خروج از کارخانه کرد.

جمعی از کارگران کارخانه «روغن نباتی گلنار» در اعتراض به بلاتکلیفی در وضعیت شغلی خود و کارخانه، در محوطه داخلی کارخانه تجمع کردند. طبق گفته‌ی کارگران، با افزایش مشکلات این کارخانه، کارفرما هر ماه با اعلام تعطیلی موقت (به مدت یک تا دو هفته)، حدود ۳۰۰ کارگر این واحد

تولیدی را به مرخصی اجباری می‌فرستد.

۱۰ آبان

جمعی از کارکنان اداری قوه قضائیه در شماری از شهرهای کشور از جمله مشهد، یزد، اردبیل، ابهر، کوهرنگ، نیشابور، میبد، گرگان، سنندج، ری، فراهان، آزاد شهر، تهران، اراک، زنجان، دماوند، کاشمر، تفرش، بروجن، اهواز، شوش، ایلام، دیواندره، پاوه و... در اعتراض به سطح پایین حقوق و مزایا و با خواست افزایش حقوق در مقابل ساختمان دادگستری شهر خود، دست به تجمع زدند. سوم آبان نیز کارکنان اداری دادسراها در شهرهای مختلف تجمعاتی برگزار کرده بودند.

کارگران معدن سرب و روی گوجر در شهرستان راور در استان کرمان در دهمین روز از تجمعات اعتراضی خود مقابل اداره کار این شهرستان تجمع کردند. کارگران نسبت به وضعیت بد معیشتی خود اعتراض داشته و خواهان افزایش دستمزدها هستند. کارگران معادن زغال سنگ کرمان پس از اعتصاب گسترده و چندین روزه توانستند کارفرمایان را وادار به افزایش ۳۰ درصدی دستمزد کنند. با این موفقیت اولیه اکنون دستمزد کارگران این معدن مطابق پایه حقوق مصوب شورای عالی کار است.

۱۱ آبان

حدود ۱۰۰ نفر از کارکنان شرکتی مخابرات منطقه‌ای آذربایجان شرقی، که اغلب با مدارک لیسانس، فوق لیسانس و دکترا با قراردادهایی با گروه ۶ مشغول به کار هستند، نسبت به وضعیت شغلی و عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل مقابل دفتر مدیر منطقه استان و ساختمان مرکزی مخابرات تجمع اعتراضی برگزار کردند.

کارگران کارخانه ماشین سازی اراک در اعتراض به سطح نازل دستمزدها برای چندمین روز متوالی در محوطه شرکت دست به تجمع زدند و خواهان افزایش دستمزد و حقوق به میزان تأمین نیازهای معیشتی خود هستند.

۱۵ آبان

کارگران ایران خودرو تبریز در اعتراض به تعویق در پرداخت حقوق ماهانه و اختلاف قیمت دریافتی کارگران مراکز تولیدی شرکت، دست از کار کشیده‌اند. کارگران ایران خودرو تبریز اعلام کردند که تا وصول مطالبات‌شان کارخانه را ترک خواهند کرد و به اعتصاب خود ادامه خواهند داد و شب را نیز در کارخانه خواهند ماند.

۱۶ آبان

پرستاران شاغل در سازمان تأمین اجتماعی مقابل

از روز یکشنبه ۲۳ آبانماه کارگران شرکت موتورسازان تراکتورسازی تبریز در اعتراض به دستمزد پایین خود بار دیگر دست به تجمع زدند. پرسنل شرکت موتورسازان با تجمع و ارائه خواسته‌های خود خواستار موارد زیر شدند: ۱- افزایش حقوق به صورت اعمال در حکم کار نه با پرداختی‌های ثابت. ۲- اعمال طبقه‌بندی مشاغل. ۳- ایجاد تشکل صنفی کارگری. ۵- امنیت شغلی و تبدیل وضعیت. در ماه جاری این چندمین باری است که کارگران تراکتورسازی تبریز دست به تجمع می‌زنند.

۲۶ آبان

کارگران مجتمع لاستیک بارز کردستان در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت معیشت‌شان اعتصاب کردند. کارگران این کارخانه نسبت به وضعیت نامناسب و کم بودن حقوق، رانت‌خواری مسئولان پروازی کارخانه و پرداخت‌های خارج از ضابطه به کارشناسان شاغل در این مجموعه اعتراض دارند. مجتمع لاستیک بارز کردستان حدود ۷۵۰ نفر پرسنل دارد و همچنین حدود ۵۰۰ شغل غیر مستقیم نیز بخاطر اوضاع نابسامان این شرکت در خطر قرار گرفته است. کارگران شرکت جهان پارس در مس دره زار دومین روز از اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند و با توقف فعالیت اجرایی این شرکت و تجمع در معابر ورودی کارگاه، مطالبات خود را «اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل، نداشتن قرارداد، کافی نبودن حقوق و مزایا و نداشتن امنیت شغلی» برای دفعات متمادی با مسئولین مطرح نمودند. قابل ذکر است که مداخلات حراست و انتظامات با حضور نیروهای انتظامی جریان داشت و کارگران به برخوردهای شدید، تهدید شدند.

۲۷ آبان

جمعی از کارگران بخش حراست مترو گلشهر به هشتگرد، نسبت به «سه ماه معوقات مزدی و ۷ ماه معوقات بیمه‌ای» خود در محدوده محل کار خود دومین روز از تجمع اعتراضی خود را پشت سر گذاشتند.

۲۹ آبان

حدود ۷۰ نفر از کارکنان شرکتی استان خوزستان به دلیل عدم امضای قرارداد، اجازه‌ی ورود به اداره مخابرات را ندارند. به گفته آنها مخابرات یک مکان عمومی است، اما آنها برای پیگیری کارهای شخصی خود نیز نمی‌توانند وارد اداره مخابرات شوند. این کارکنان در اعتراض به قراردادهای سه ماهه و با توجه به الزام قانون برای بستن قرارداد دائم در کارهای مستمر، دو ماه قرارداد کار را امضا نکردند و بدون قرارداد به کار خود ادامه دادند.

مجلس تجمع اعتراضی برپا کردند. پرستاران به عدم امکان استفاده از قانون مشاغل سخت و زیان‌آور برای بازنشستگی با ۲۰ سال بیمه‌پردازی، اعتراض دارند. اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، احتساب مدت سربازی به عنوان سوابق سختی شغل خود، افزایش احکام حقوقی متناسب با وزارت بهداشت و تعلق فوق‌العاده ویژه از خواسته‌های این پرستاران است.

۱۷ آبان

کارگران شرکت سمکو تبریز (شرکت طراحی مهندسی و ساخت ابزار آلات سایپا) به دلیل شرایط نابسامان مدیریتی کارخانه در مقابل دفتر مسئولان، تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۱۹ آبان

کارگران شرکت ایران‌خودرو خراسان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها دست به اعتصاب زدند و در داخل کارخانه تجمع کردند و سپس اقدام به راهپیمایی به خارج از شرکت نمودند. کارگران شرکت ایران‌خودرو خراسان که تعداد ۴۰۰۰ نفر هستند، نسبت به اعمال اضافه‌اری اجباری و سطح پایین حقوق‌ها اعتراض دارند و خواهان حذف اعمال اضافه‌کاری اجباری و افزایش حقوق و مزایا هستند.

۲۰ آبان

با پیوستن کارگران شیفت بعدازظهر کارخانه به اعتصاب، کارگران شیفت صبح محل شرکت را ترک کردند و اعتصاب توسط کارگران شیفت جدید ادامه یافت تا کارگران شیفت شب به اعتصاب ملحق شوند.

۲۳ آبان

حدود ۱۵۰ نفر از کارگران نی بُر در هفت تپه، در محوطه شرکت تجمع کردند. این کارگران پس از پایان کشت متاسفانه همگی اخراج شده‌اند در حالی که خواستار آن هستند که در سایر بخش‌های شرکت جذب و استخدام شوند.

۲۴ آبان

کارگران معادن ذغال سنگ و ذغالشویی زرنند استان کرمان با خواست ممانعت از واگذاری این معادن به بخش خصوص (شرکت دالاهو و پیمانکاران وابسته به آن)، تبدیل وضعیت شغلی، ارتقاء ضریب حقوقی از ۵/۱ به ۲ و پرداخت حق بیمه، مجدداً مقابل ساختمان ذغال سنگ تجمع کردند. این تجمع از هفته قبل شروع شد و شمار تجمع‌کنندگان به ۳۵۰۰ نفر می‌رسد اما حضور این افراد با هم نیست، بلکه روزانه بین ۷۰۰ تا ۹۰۰ نفر است و گروهی از خانواده‌های آنان نیز به اعتصابیون پیوستند.

گرامی داشت یاد کسانی که جانشان را در اعتراضات آبان ۹۸ از دست داده‌اند، مراتب همدردی و همدلی‌اش را با خانواده و بازماندگان کشته‌شدگان اعلام می‌دارد. و حمایت از هر تلاش حق‌جویانه و دادخواهانه از سوی مردم را وظیفه‌ی خود می‌داند. هم‌چنین خواهان آزادی بی‌قید و شرط تمام زندانیان سیاسی، مدنی و عقیدتی است».

آبان ۲۸

مردم و کشاورزان اصفهان در اعتراض به غارت حقایق و نابودی زاینده رود تجمعات گسترده برگزار کردند. این تجمعات طی ۱۲ روز گذشته از سوی کشاورزان معترض و متحصن به صورت شبانه‌روزی آغاز و با حمایت‌های مردمی جریان یافته است. شعار مردم و کشاورزان اصفهان: «توپ، تانک، فشفشه زاینده رود باز بشه»، «تا آب نیاد به رودخونه، ما بر نمی‌گردیم به خونه». بازنشستگان تأمین اجتماعی اصفهان در همبستگی با کشاورزان در تجمع مردمی شرکت کردند و حمایت خودشان را از کشاورزان به صورت حضوری اعلام داشتند. همزمان با اعتراض گسترده مردم و کشاورزان به خشک شدن زاینده‌رود اختلال اینترنت در اصفهان پاسخ ضد مردمی مسئولان به مردم بود.

آبان ۳۰

در حالی که مردم اصفهان چهاردهمین روز تجمع پر شکوه خود را نسبت به سیاست‌های ویرانگر زیست محیطی را پشت سر گذاشتند گروهی از مردم استان چهارمحال و بختیاری در خیابان‌های شهرکرد اقدام به راهپیمایی و تجمعات گسترده در اعتراض به سیاست‌های آبی حاکمیت و پروژه‌های انتقال آب کردند.

نتایج مبارزات متحد فرهنگیان و کارگران نفت و خصوصاً مبارزات کارگران شرکت واحد و کارگران هفت تپه نشان می‌دهد که حکومت و سرمایه‌داران عقب نخواهند نشست مگر آنکه مبارزات زحمتکشان تحت رهبری واحد و سراسری قرار بگیرد. و در این رابطه طبقه کارگر فقط در ارتباط با تشکلات خود معنی و هویت می‌یابد و نه در دوری از شکل. آنان که فردگرایی و خودمحوری را تبلیغ می‌کنند، دشمنان ناآگاه و یا جیره‌خواران طبقات بالایی جامعه هستند و لاغیر!

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است! ●

کادر سلامت ایلام جهت رسیدگی به مطالبات قانونی خود، از جمله برقراری فوق‌العاده خاص کادر بهداشت و درمان با ضریب سه، تجمع اعتراضی برپا کردند.

آبان ۳۰

حدود دو هزار نفر از کارگران شرکت‌های پیمانکاری مجتمع مس سونگون ورزقان «آهن‌آجین، مبین، نوآوران، زحل، شرکت‌های خدمات اکتشافی و پارس اولنگ و...» در اعتراض به اخراج ۶۰ نفر از فعالین کارگری این مجتمع دست به اعتصاب زده و استخراج در این معدن را به کلی تعطیل کردند. لازم به ذکر است که پس از اعتصاب ۳ روزه کارگران مجتمع مس سونگون در ۱۴ مهرماه، که خواهان اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، رفع تبعیض بین نیروهای رسمی و شرکت‌های اقماری معدن و دیگر خواسته‌های خود شده بودند، «سعد محمدی»، مدیرعامل شرکت ملی مس، طی مذاکره با نمایندگان کارگران وعده تحقق خواست‌های کارگران و یکساله شدن قراردادهای اعلام کرده بود.

اعتراضات مردمی

آبان ۲۱

کشاورزان اصفهان در اعتراض به عدم تخصیص حق‌آبه و بی‌آبی و خشک شدن زاینده رود پنجمین روز خود را پشت سر گذاشتند و به نشان اعتراض در بستر خشک زاینده رود نیز چادر زدند. مردم اصفهان خصوصاً زنان با شعار «کشاورز حمایت می‌کنیم» در کنار کشاورزان و مبارزات‌شان قرار گرفتند.

آبان ۲۴

جمعی از مادران دادخواه در آستانه دومین سالگرد کشته شدن فرزندانشان خواهان مجازات قاتلین آبان ۹۸ شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد با باز انتشار بیانیه خود در سال ۹۸، کشتار معترضین در آبان ۹۸ را قویاً محکوم ساخت و پشتیبانی خود را از مادران دادخواه اعلام داشت. در این بیانیه آمده است: «... سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه کشتار و سرکوب خونین مردم را که عمده آنان از فرودستان و خانواده‌های کارگری می‌باشند، به شدت و قاطعانه محکوم می‌کند. هیچگونه توجیه‌ای برای این سرکوب‌ها وجود ندارد و قابل قبول نیست...».

آبان ۲۵

کانون نویسندگان ایران به مناسبت دومین سالگرد کشته‌شدگان آبان ۱۳۹۸ بیانیه‌ای منتشر ساخت که در آن آمده است: «... کانون نویسندگان ایران، ضمن

بازنشستگان با سازمانده گردهمایی‌ها در پی ایجاد تشکل برای بازنشستگان بود. او در ژوئن ۲۰۲۱ به ضربه شلاق و ۶ سال زندان محکوم می‌شود. در سپتامبر دادگاه تجدیدنظر حکم دادگاه بدوی را تأیید می‌کند.

«فرزانه زیلابی» وکیل دادگستری، به جرم دفاع از حقوق کارگران تحت پیگرد قضایی قرار می‌گیرد. او در محاکمات کارگران نیشکر هفت تپه وکالت متهمین را برعهده گرفته بود. دادگاه بدوی «خانم زیلابی» را به اتهام «تبلیغات علیه دولت» به دو سال زندان و ممنوعیت خروج از کشور محکوم می‌کند. اخیراً چندین وکیل دادگستری دیگر هم به زندان محکوم شده‌اند. حکومت با پیگرد وکلای مخالفان و معترضین قصد جلوگیری از روال قانونی مبارزات آنها را دارد.

ما سازمان‌های سندیکایی فرانسه بار دیگر همبستگی خود را با سندیکالیست‌های قربانی سرکوب حکومت ایران و رفقای حامی‌شان، اعلام می‌کنیم و

– خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری «آرش گنجی» و «اسماعیل گرامی» و همه سندیکالیست‌ها، نویسندگان و زندانیان عقیدتی هستیم؛

– اعمال سرکوب‌گرایی و اذیت و آزارها علیه خانم «فرزانه زیلابی»، وکیل مدافع کارگران کارکنان نیشکر هفت تپه را محکوم می‌کنیم و خواهان لغو فوری ممنوعیت سفر در مورد وی هستیم؛

– خواهان لغو همه محکومیت‌های غیرعادلانه و خلاف آزادی‌ها و حقوق بنیادی هستیم. از جمله محکومیت «جعفر ابراهیمی». همچنین خواهان آزادی بدون قید و شرط و فوری همه مبارزین زندانی شده به خاطر فعالیت‌های سندیکایی‌شان هستیم؛

– از رژیم ایران می‌خواهیم که به پیمان‌های بین‌المللی، که دولت ایران امضا کرده، از جمله حق ایجاد تشکل‌های مستقل، حق برگزاری تجمعات، حق اعتصاب و حق قراردادهای جمعی، احترام بگذارد.

کنفدراسیون دموکراتیک فرانسوی کار (س اف د ت)

CFDT : dszliwka@cfdt.fr

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

CGT: n.ferouse@cgt.fr

کنفدراسیون متحده سندیکایی (اف. اس. او)

FSU : michelle.olivier@snuipp.fr

اتحاد سندیکایی همبستگی (سولیدر)

Solidaires : contact@solidaires.org

اتحاد ملی سندیکاهای مستقل (اوان اس آ)

UNSA : rachel.brishoual@unsa.org

پاریس ۱۶ نوامبر ۲۰۲۱



همبستگی سندیکاهای کارگری

فرانسه با قربانیان سرکوب در ایران

در ایران اقدام به ایجاد تشکلات سندیکایی مستقل از قدرت حاکم یک جرم محسوب می‌شود. اخیراً حکومت ایران بر شدت فشار بر مبارزان در همه حوزه‌ها نظیر معلمان، نویسندگان، وکلای دادگستری و کارگران افزوده است.

«جعفر ابراهیمی» عضو تشکل صنفی معلمان تهران، اخیراً به اتهامات واهی «تبلیغات کاذب» و «اقدام علیه امنیت کشور» متهم شده است. «جعفر ابراهیمی» مبارزی است که برای عدالت اجتماعی، و برای آموزش رایگان فعالیت می‌کند. هدف حکومت از محاکمه کاملاً بی‌پایه او، مرعوب و خفه کردن هر صدایی است که علیه رژیم سرکوبگر برمی‌خیزد و مبین آن است که در ایران مدافعان حقوق انسان‌ها همواره هدف سرکوب هستند.

«آرش گنجی»، نویسنده و مترجم، عضو کانون نویسندگان ایران است. او به خاطر ترجمه کتابی درباره وضعیت روژاوا در سوریه به «اقدام علیه امنیت ملی» متهم و به ۱۱ سال زندان محکوم می‌شود. تقاضای تجدیدنظر او رد می‌شود و حکم ۱۱ سال زندان تأیید می‌گردد. در حال حاضر سه عضو دیگر کانون نویسندگان به اسامی «آبتین بکتاش»، «رضا خندان مهابادی» و «کیوان باژن» به جرم‌های مشابه در زندان به سر می‌برند.

«اسماعیل گرامی»، کارگر بازنشسته ۶۷ ساله، مدافع حقوق کارگران، مبارزی است که برای احقاق حقوق

صدای آمریکا (وی . ا . ای)، صدای آلمان (دویچه وله)، صدای فرانسه (کانال ۲۴ فرانسه)، صدای عربستان (ایران اینترناشنال)، صدای سیا و موساد (من وتو) و الی آخر. مرتب و مدام جفنگیات به خورد بینندگان و شنوندگان می‌دهند. از سر مزدوری و موجب‌گیری، همواره حقیقت را پنهان می‌کنند. به این سخنان‌شان توجه کنید:

- ما، با مصرف سوخت فسیلی هوا را آلوده می‌کنیم.
 - ما، دی اکسید کربن به جو زمین می‌فرستیم.
 - ما، داریم اکوسیستم جهانی را نابود می‌کنیم.
 - ما، داریم گونه‌های جانوری را منقرض می‌کنیم.
 - ما، داریم جنگل‌ها را از بین می‌بریم.
- و خلاصه اینکه «ما و فعالیت‌های انسانی» باعث گرمایش زمین شده و یخ‌های شمال و جنوب با قدمت هزاران ساله در حال ذوب شدن هستند!
- یک آدم درست و حسابی توی این رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری وابسته، پیدا نمی‌شود که اصل واقعیت را بگوید. بگوید؛ تا قبل از پیدایش نظام سرمایه‌داری، به مدت بیش از پنج هزار سال، هیچ حرفی از آلودگی محیط‌زیست و نابودی حیات انسان و حیوان و گیاه نبود و حداقل اینکه بشریت، قبل از انقلاب صنعتی و پیدایش سرمایه‌داری در چند قرن پیش، از هوا و محیطی کاملاً سالم برخوردار بوده است. این سرمایه‌داری انحصاری است که جنگل‌ها را نابود می‌کند، رودخانه‌ها را می‌خشکاند، کوه‌ها را متلاشی می‌کند، دریاها را آلوده می‌کند، برای استخراج ذغال سنگ، نفت، گاز و مواد معدنی کیلومترها زمین را می‌شکافد، آزمایشات هسته‌ای انجام می‌دهد و با رقابت‌های تسلیحاتی و مانورهای نظامی زمین و زمان را تخریب می‌کند و نه «ما» انسان‌ها!! مخرب‌ترین کشورها در زمینه آلودگی‌های زیستی، امپریالیست‌های قدرتمند هستند. آمریکا، چین، انگلستان، روسیه، فرانسه، آلمان، هند، استرالیا و غیره. در همین کنفرانس گلاسکو، آمریکا، چین، هند و استرالیا حاضر به امضای توافق حتی روی کاغذ هم نشدند. بنابراین تمام «تصمیمات گلاسکو» باد هوا خواهد بود! از سال ۹۲ میلادی تا حالا ۲۲ نشست برگزار کردند که حاصلی نداشته است. تا زمانی که سرمایه‌داری بر جهان حاکم هست، ۲۲۰۰ نشست و یا کنفرانس دیگر هم برگزار کنند، باز آتش همان و کاسه همان خواهد بود.
- «یا قدرت زمین‌داران و سرمایه‌داران یا دیکتاتوری طبقه کارگر. میانه‌ای وجود ندارد».
- زنده باد سوسیالیسم!



سیستم سرمایه‌داری در ذات خودش، ضدبشر، ضد طبیعت و ریاکار است

درحاشیه کنفرانس اقلیمی گلاسکو

فقط آنهایی که شناخت درستی از نظام سرمایه‌داری دارند، به خوبی می‌دانند که تنها هدف این نظم ضدبشری به حداکثر رساندن سود سرمایه و غارت ثروت‌های جهان به هر وسیله‌ای است.

آنانی که به این درجه از شناخت نرسیده‌اند، همواره فریب تبلیغات زهرآگین‌شان را خواهند خورد. لذا گاهی مرید و عاشق «هیتلر» می‌شوند و دنیا را به تباهی می‌کشاند و زمانی به «اوباما» و یا به «جرج بوش» رای می‌دهند و افغانستان و خاورمیانه و شمال آفریقا را ویران می‌کنند. از سال ۱۹۹۲ تا سال ۲۰۱۵، «رهبران» کشورهای سرمایه‌داری، معروف به گروه ۲۰، بیست و یک بار کنفرانس، درباره آلودگی آب و هوا، تخریب محیط‌زیست، نابودی جنگل‌ها و به عبارتی تغییرات اقلیمی، نشست برگزار کردند! حالا باز برای بیست و دومین مرتبه در شهر «گلاسکو» جمع شدند تا مثلاً با توافقی و قراردادی بتوانند جلوی سوخت‌های فسیلی، مثل ذغال سنگ، نفت و گاز و غیره را بگیرند تا بدینوسیله جلوی فاجعه محیط‌زیستی، گرمایش زمین، گازهای گلخانه‌ای، سیل و طوفان‌های ویرانگر گرفته شود؟! به شغال گفتند شاهدت کیه، گفت دُم!! دُم شغال کی‌ها هستند؟ صدای انگلستان (بی بی سی)،



چنین جمعیتی را تاکنون تاریخ محیط زیست ایران به یاد نمی آورد

یکم: مردم خسته از وعده‌های پوچ، مردم شاکی از بارگذاری‌های نابخردانه و مردم نگران از آینده زیست‌بوم‌شان امروز به جای آب در زاینده‌رود جاری شدند، تا فصلی مهم را در تاریخ مطالبات محیط‌زیستی ایرانیان رقم زنند.

دوم: این راهپیمایی پرشکوه را نباید در حد چند مطالبه صنفی تقلیل داد. تاب‌آوری کشور به دلیل عدم توجه به واقعیت‌های اکولوژیکی فلات ایران به خطر افتاده و اینک مردم اصفهان، چهارمحال و بختیاری، لرستان، خوزستان، یزد، کرمان، قم، تهران، خراسان، فارس و آذربایجان آنرا به خوبی و با پوست و خون خویش درک کرده‌اند.

سوم: رهبران کشور نباید اجازه دهند به بهانه اشتغال و رونق اقتصادی کوتاه‌مدت، توانایی زیستن در ایران تقلیل یابد. سالانه دست‌کم چهارمیلیارد مترمکعب فقط از سفره‌های آب زیرزمینی استان توسط موتورپمپ‌ها در حال برداشت است. اگر کمتر از یک‌دهم این مقدار به سمت زاینده‌رود روان شود، گاوخونی هرگز بدون آب نمانده و زاینده‌رود برای همیشه جاری می‌ماند. آنچه غیرقابل معامله و چشم‌پوشی است، فقط حقایق شرب مردم اصفهان به میزان حدود پانصد میلیون متر مکعب در سال است. برای سه و نیم میلیارد بقیه، باید نخست حقایق زاینده‌رود و گاوخونی در اولویت باشد و نه صنعت و کشاورزی.

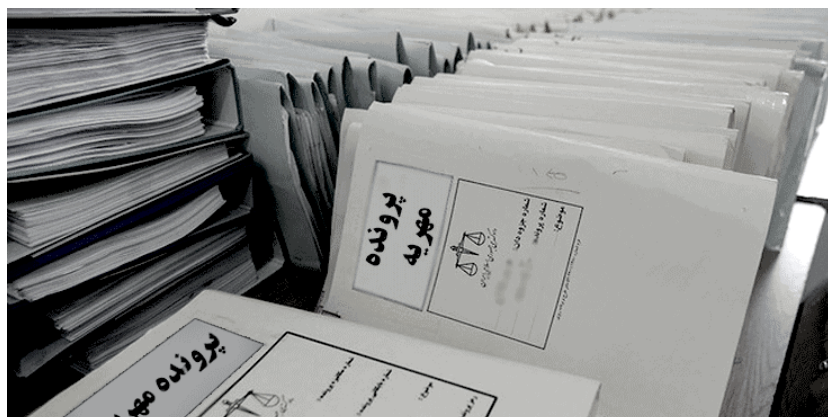
چهارم: همه ایران باید متحد عمل کرده و از این خواسته مشروع مردم اصفهان حمایت کنند. اجازه ندهید تجزیه‌طلبان و عناصر مشکوک به بهانه زاینده‌رود، اقوام ایرانی را نسبت به هم مکدر کنند. آنهایی که در طول چند دهه گذشته اجازه استقرار صنایع آب‌بر، واحدهای صنعتی تولید گوشت و افزایش سطح اراضی کشاورزی را در اصفهان دادند و آنهایی که اجازه ندادند حتی یک هتل پنج ستاره در طول چهل سال اخیر در اصفهان ساخته و مورد بهره‌برداری قرار گیرد و اصفهان را از قطب گردشگری ایران و خاورمیانه به قطب صنایع آلاینده بدل ساختند، امروز باید پاسخگو باشند. امروز باید اعتراف کنند که با هر لیتر آبی که به سمت اصفهان منحرف کردند، شش لیتر بارگذاری بیش‌تر تعریف کرده و فروپاشی را نزدیک‌تر ساختند.

پنجم: خبر مهم آنکه با توجه به تشدید روند جهان‌گرمایی و کاهش ذخیره برف و یخ در سرچشمه‌های اغلب رودخانه‌های ایران، باید خود را برای یک جراحی بزرگ و دردناک آماده کنیم. با روند کنونی نه‌تنها امکان تداوم حیات زاینده‌رود وجود ندارد که دیر یا زود این سرنوشت تلخ گریبان دیگر رودخانه‌های وطن از زاب تا کشکان و از کارون تا سیمره، کرخه، زاینده‌رود، سفیدرود، هلیل‌رود، اترک و ... را خواهد گرفت. راه پایداری ایران از تعریف و بازمهندسی اقتصادی می‌گذرد که کمترین وابستگی را به آب داشته باشد.

محمد درویش، فعال محیط زیست.

#بزرگترین_تجمع_محیط_زیستی_ایران

#زاینده_رود_من_کو



محکومیت زندان برای مردانی که توان پرداخت مهریه را ندارند

معضل «مهریه»؟! با چگونگی رابطه زن و مرد در بستر مناسبات متداول پیوند دارد. حتی در قوانین حمورابی، که گویا در حدود ۱۷۰۰ سال پیش از میلاد تدوین شده‌اند، مقرر می‌دارد که اگر زن عقیم باشد و طلاق داده شود، شوهر مکلف است که مهر و جهیزیه او را بپردازد؛ مقرر می‌دارد، در صورتی که زن، مهر و جهیزیه هم نداشته باشد، می‌بایست به او یک من نقره داده شود. یا در یونان باستان، پدر دختر، بعد از گرفتن مبلغی پول یا هدیه با ازدواج دخترش موافقت می‌کرد؛ و حتی در حقوق عبری نیز مهر و جهیزیه وجود داشته، از ارکان عقد و نکاح بوده...

در ایران باستان هم - متن «آگوستا» چنین آمده، مرد خواهان ازدواج، علاوه بر سهم دختر، می‌بایست به پدر او هم مالی می‌داد، در مقابل، پدر موظف می‌شد، تا برای دخترش، جهیزیه تهیه نماید. در قوانین ایران، مهریه، یکی از تکالیف زن و شوهری است، مطالبه مهر، حق زن، بعد از فسخ قانونی زناشویی، شوهر، ملزم به پرداخت آن است. طبق ماده ۱۰۸۲ قانون مدنی ایران «به مجرد عقد، زن مالک مهر می‌شود و می‌تواند هر نوع تصرفی که بخواهد در آن بنماید».

در ایران، خاصه در سال‌های اخیر، سکه طلا، به عنوان شکل مطلوب مهریه، رایج شده. اما برای بسیاری از خانواده‌ها مهم این است که «مهر را کی می‌دهد و کی می‌گیرد»! باوری که در صورت بروز اختلاف و جدائی، با مشکل، تنش‌های فامیلی روبرو می‌شود. مشکلی که مرتب، بر اثر نوسان نرخ ارز، افزایش قیمت سکه طلا در بازار، شدت گرفته، در صورتی که مرد، طلاق‌دهنده، توان پرداخت مهریه

را نداشته باشد، طبق «قانون»! راهی زندان می‌گردد. مشغله کنونی سردمداران رژیم اسلامی به عنوان مثال، می‌توان به جدل «ناصر مکارم شیرازی»، از مراجع قم، و «صادق آملی لاریجانی»، رئیس قوه قضائیه (در زمان تصدی این پست) اشاره کرد. در شهریور امسال «ابوالفضل ترابی»، نماینده مردم نجف‌آباد در مجلس شورای اسلامی، اصلاح قانون مهریه را مطرح کرد، که بر این اساس می‌توان حداکثر ۱۴ سکه طلا را برای مهریه پیش‌بینی نمود - تا از روند افزایشی آن جلوگیری کرده، همچنین، در صورتی که زوجه خواهان دریافت مهریه خود باشد با مراجعه به واحد اجرای احکام نسبت به تقاضای خودش اقدام کند - و نیازی به بررسی پرونده در دادگاه نخواهد داشت.

«فاطمه قاسم‌پور»، رئیس فراکسیون زنان و خانواده مجلس، ضمن تکذیب این جریان چنین گفت: «مساله تعیین میزان سکه در حال حاضر مورد نظر نیست. اما فعالان حقوق زنان در ایران برداشتن تبعیض‌ها را در مورد زنان راه حلی برای بیرون‌آمدن از این مشکلات دانسته و به عنوان مثال مطرح می‌کنند که اگر زنان ضمن عقد یا پس از آن از همسران‌شان وکالت طلاق، اجازه تحصیل و خروج از کشور را بگیرند و در ازای این حقوق از مهریه صرف‌نظر کنند، دیگر معضلی به نام محکومان مهریه و رجوع زنان برای وصول مهریه به دادگاه‌ها نخواهد بود - نمایندگان مجلس و مسئولان به جای مساعدت قانونی با مردان بهتر است به فکر حل اساسی مساله یعنی برداشتن تبعیضات باشند».

در اینجا، باید پرسید که با توجه به مشکلات اقتصادی موجود در ایران چند درصد زنان مطلقه می‌توانند، یا در صورتی که سرپرستی فرزندان خود را هم به عهده داشته باشند، مخارج زندگی خود و فرزندان‌شان را تأمین کرده و به سفر خارج کشور بروند. در حقیقت، تا زمانی که انسان‌ها، اعم از زن و مرد، حق کارکردن نداشته باشند، نمی‌توان به رفع مشکلات، در دوران ازدواج و یا جدائی فائق آمد.

ولی رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی مشغله دیگری دارد، بدنبال راه حلی دیگر است؛ می‌خواهد به نام «مهر و جهیزیه»! هزینه گزاف زندان و زندانیان مدنی را کاهش دهد: به موجب آمار و ارقام رسمی، با توجه به رشد نازل اقتصادی، عدم اشتغال، عدم مسکن، برای مردان مساله سربازی سوای مهریه و جهیزیه، تنها در سال ۱۳۹۹ خورشیدی، ۶۷ درصد از ۳۶۸ هزار پرونده برای دریافت مهریه و جهیزیه با محکومیت زندان بوده، با رشدی ۴۴ درصدی نسبت به سال ماقبل. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل! ●



در حاشیه «دادگاه مردمی آبان»

افشای مرتجعین در هر لباسی وظیفه مردم آزادیخواه و مستقل ایران است

در تاریخ ۱۸ تا ۲۳ آبان در شهر لندن نمایشی به نام «دادگاه مردمی آبان» ماه ۹۸ برگزار شد. این نمایش بخشی از اقدامات مخالفان جمهوری اسلامی در جهت بی‌ثباتی در درون ایران صورت گرفت که با اقدامات دیگری در داخل و خارج ایران از جمله حمله سایبری به پایگاه‌های پمپ بنزین در داخل، مانور مشترک نظامی نیروهای مسلح آمریکا، اسرائیل، امارات و بحرین در آب‌های خلیج فارس، محاکمه «علی نوری» در استکهلم همزمانی داشت. این «دادگاه» ۱۳۳ نفر از مقام‌های جمهوری اسلامی ایران از جمله علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، حسن روحانی، رئیس‌جمهور سابق و ابراهیم ریسی، رئیس‌جمهور وقت ایران را شامل می‌شود. در ادامه سیاست‌های حداکثری دولت ترامپ بازیگران این نمایشنامه سعی دارند، اینبار باز هم در لباس «مدافعان حقوق بشر» تجاوز نظامی به کشور ایران و نابودی تمامی زیرساخت‌های اقتصادی و علمی آنرا، همانگونه که در افغانستان، عراق، لیبی و سوریه انجام گرفت، مشروعیت بخشند. این سه سازمان، که همگی برای برقراری «عدالت» و «حقوق بشر» و «علیه اعدام» تأسیس گشته‌اند، ادامه دادگاه‌های جنگ‌افروزان پیمان ناتو هستند، که مباران بوگسلاوی و محاکمه «میلوسویچ»، رئیس‌جمهور قانونی این کشور را در ذهن تدایی می‌کند. در روز اول این نمایش «مسیح علی‌نژاد» به

عنوان «شاهد» (محل زندگی: آمریکا) که شهادت خود را نیز کتبی ارائه نکرد، در پوشش «خبرنگار» در این دادگاه حضور پیدا کرد و با سوء استفاده از احساسات پاک انسانی مادران و خانواده‌هایی، که فرزندان خود را از دست داده بودند، سعی کرد دوباره نقش ریاکارانه خود را بعنوان حامی این مادران، که همراه با اشک‌های تمساح و ارانه وی بود، اجرا کرده و آنچه را که از فهم وی از حقوق بشر ولیکن از نوع آمریکایی آن بود، به جهانیان در مورد جمهوری اسلامی برملا سازد. بعد از «شهادت»، (منظور او مصاحبه‌های بود که او با خانواده‌های کشته‌شدگان وقایع آبانماه است) وی توانست از خانم مجری صدای آمریکا هم «نمره خوبی» بگیرد، نمره‌ای که اگر با مادران افغانستانی، عراقی و سوری مصاحبه کرده بود، یقیناً منجر به رفوزگی وی می‌شد. اما او تنها زنی نبود که از غم و حسرت این مادران برای پیشبرد نیات پلید سیاسی خود سوء استفاده کرد. گوئی امپریالیسم آمریکا اینبار خواسته بود با فرستادن کارمندان زن خود این دادگاه را متریقی‌تر از همیشه جلوه دهد. «شادی صدر»، «شادی امین»، «رها بحرینی» دیگر کامندان مأمور و معذور این نمایش مسخره و رقت‌انگیز بودند. «شادی صدر» هم که هزاران کیلومتر از این وقایع دور بوده، بعنوان شاهد حضور داشت. او به همراه «شادی امین»، که سابقاً از طرفداران «سازمان فدائیان اقلیت» بود و از جمله کسی است که همراه با «شادی صدر» از اردوهای فرقه مجاهدین در آلبانی دیدن کرده بود و در اینجا میتوان پی‌برد که مجاهدین هم افراد خود را برای برگزاری این دادگاه آماده کرده بودند. پرسش اینجاست که آیا این دو مأمور حاضرند با مادرانی که فرزندان آنان توسط این فرقه مورد سوء استفاده قرار

نوستالژی آرپایی و افسانه

حقوق بشر

مردم ایران سال‌هاست در اثر فشارهای اجتماعی و سرکوب‌های بی حد و حصر سیاسی و فقدان یک بدیل دموکراتیک و مردمی تحت هر بهانه‌ای در مخالفت با حکومت اسلامی و ضد ایرانی، که واژه «ملی» و «ملت» و سنن تاریخی و ملی مردم را به تمسخر گرفته است و تلاش نمود واژه «امت» را بر مردم تحمیل کند، تظاهرات می‌کنند و به حاکمان مستبد و خونریز اسلامی دهن کجی و شعار «وای کوروش» صلا می‌دهند. بی‌شک هر جنبش اعتراضی و نارضایتی عمومی، که فاقد رهبری انقلابی و صحیح باشد و با نیروهای ارتجاعی و امپریالیسم و صهیونیسم مرز روشنی نداشته باشد، امکان به کجراه رفتن و به آلت دست دشمنان مردم تبدیل شدنش بسیار محتمل است. تلویزیون‌های لوس آنجلسی نیز در این داستان نقش دارند و سعی می‌کنند این نارضایتی را به حمایت از خاندان منفور پهلوی و وابسته به اجانب سوق دهند. هر انسان فرهیخته و آگاهی دانسته است با شور آرپایی دو هزار و پانصد ساله و یا شور حسینی هزار و چهار صد ساله نمی‌شود تحولات مکرراتیک و عدالت اجتماعی در عصر حاضر آفرید. چنین خیال‌پردازی ناشی از بن‌بست سیاسی، ساده‌لوحی و از سر استیصال مردم سرکوب شده‌ای است که متأسفانه فاقد تشکل و آگاهی‌اند.

«منشور حقوق بشر» کوروش کبیر نیز افسانه است، فقط نابینایان و فریب‌خوردگان سیاسی بدان باور دارند. فلسفه حقوق بشر با انقلاب کبیر بورژوازی فرانسه و پیروزی بر فئودالیسم و کوتاه کردن دست کلیسا و مذهب از زندگی مردم و برسمیت شناختن آزادی‌های فردی و اجتماعی آغاز شد و تعریف گردید. در دوره باستان و برده‌داری و یا فئودالیسم حقوق بشری نمی‌توانست وجود داشته باشد. کوروش کبیر امروز برای برخی از محافل ایرانی فراتر از شخصیتی تاریخی است. از «رضاشاه پهلوی» تا «محمود احمدی‌نژاد» خود را وارث «کوروش» می‌دانند و مردم ایران به واسطه افسانه‌هایی، که درباره شخصیت او شکل گرفته به گذشته باشکوه خود می‌بالند و از اینکه فرزندان کوروش کبیر هستند، احساس برتری نسبت به دیگر اقوام و ملل دارند.

سلطنت طلبان جاعل برای کسب قدرت و احیای نظام فاسد و دیکتاتوری شاهنشاهی متوسل به هر دروغی می‌شوند تا به اهداف پلید خود دست یابند. با شعارهای عظمت‌طلبانه و عرب‌ستیزانه آرپایی، که نمی‌توان ایرانی دموکراتیک و عدالت‌محور، ضد سرمایه‌داری و ضد امپریالیست بنا کرد. مبارزه با غفرت داخلی و غفرت خارجی و عوامل‌اش، که دو جزء جداناپذیر از هم هستند، حداقل شرط همکاری با جریان‌ات سیاسی در عرصه ملی و دموکراتیک برای کسب آزادی و جمهوریت مردمی است. فقط با چنین دورنمایی است که می‌توان به جلو حرکت کرد و در دام نیروهای ارتجاعی درنغلطید. ۷ آبان ۱۴۰۰ ●

گرفته‌اند و یا توسط مجاهدین به قتل رسیده‌اند، هم مصاحبه کرده و نظرات آنان را هم جویا شوند. اما آنچه که در این مقطع زمانی بسیار تعیین‌کننده است، هوشیاری مردم دوراندیش ایران است که به افشای برنامه‌های دشمنان ایران در هر لباسی پرداخته و با تشکلات منسجم و سراسری خود برای احقاق حقوق قانونی خود یکپارچه عمل کرده تا مزدوران خارجی از خواسته‌های برحق آنان نتوانند سو استفاده کنند. ما بارها طی مقالات متعدد تحلیل کرده‌ایم که این نمایشات و صحنه‌سازی‌های یاران اجنبی باید در متن سیاست عمومی امپریالیسم و صهیونیسم، که بر ضد منافع مردم ایران و نه جمهوری سرمایه‌داری اسلامی مورد قضاوت قرار گیرد.

کینه امپریالیسم و صهیونیسم نسبت به جمهوری سرمایه‌داری اسلامی تنها و تنها به این علت است که این رژیم حاضر نیست مانند رژیم منفور محمد رضا پهلوی به سرسپرده وفادار آنها بدل شده و اسرائیل جنایتکار را به رسمیت بشناسد.

ارزیابی از صحنه‌سازی‌های «دادگاه مردمی آبان» را باید در این متن قرارداد. «دادگاه لندن» دادگاهی برای اجرای عدالت نیست، دادگاهی در خدمت مقاصد تبلیغاتی و تجاوزکارانه امپریالیست‌هاست و مبارزه انقلابی بر ضد ارتجاع حاکم در ایران را مخدوش می‌کند. هیچ نیروی ایران‌دوست و انقلابی نمی‌تواند به عنوان دست دراز شده امپریالیسم و صهیونیسم عمل کند. فقط دادگاه خلق حق محاکمه و مجازات جنایتکارانی را همچون رئیس و خامنه‌ای و همه کسانی که دستشان به خون مردم ایران آغشته است، دارد، دادگاهی که با سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه‌داری و جنایتکار جمهوری اسلامی و بدست توانای مردم ایران امکان‌پذیر است. این دادگاه هم صاحبان قدرت در ایران را محاکمه خواهد کرد و هم همدستان امپریالیست‌ها را که در خارج از کشور بر ضد مردم ایران با تبلیغ و توجیه سیاست خریم، تهدید و تجاوز به ایران فعال بوده و با اخاذی از بیگانه به عمر آلوده خود ادامه می‌دهند. ●

با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز انقلاب مبارزه کرد

سوم، بانک‌های غیردولتی (خصوصی)، با نام‌های مختلف و به تعداد ۲۱ بانک فعالیت دارند که در مجموع دارای ۱۲۱۳۷ شعبه در سراسر ایران هستند.

برای رهایی از این همه ظلم و فساد و تبعیض در حاکمیت ضد‌مردمی رژیم سرمایه‌داری اسلامی ایران، مبارزه و اعتراضات پراکنده و غیرتشکیلاتی ره به آزادی نمی‌برد. باید به مانند کبوتران «کلیله و دمنه»، گرفتار در تور صیاد، با اتحاد و همبستگی و وحدت تشکیلاتی، در یک سمت و در یک جهت پرواز نمود تا از دست «صیاد» رهایی پیدا کرد!



فرخنده باد صد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر

بار دیگر سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر فرا می‌رسد؛ انقلابی که جهان سرمایه‌داری را به لرزه درآورد و دست‌آوردهای عظیمی، نه فقط برای زحمتکشان شوروی، بلکه برای خلق‌های جهان داشت.

لنین رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر در سال ۱۹۱۷ دانش مارکسیسم را تکامل داد و با پیدایش و شناخت پدیده امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه‌داری، زمینه تئوریک انجام انقلاب اکتبر را فراهم ساخت. لنینیسم بر اساس افکار لنین و تکامل دانش مارکسیسم شکل گرفت و تدوین شد. لنینیسم مبارزه‌ای حاد بر علیه تروتسکیسم و همه دشمنان مارکسیسم از جمله کائوتسکیسم بود که اصول اساسی مارکسیسم نظیر دیکتاتوری پرولتاریا، رهبری طبقه کارگر در انقلاب توسط حزب‌اش، کسب قدرت سیاسی توسط پرولتاریا و سرکوب بورژوازی، انقلاب قهرآمیز به منزله قانون عام گذار به مرحله بعدی تحول سیاسی، نفی پارلمنتاریسم بورژوائی، پیدا کردن مقوله دیکتاتوری پرولتاریا در بطن شوراهای کارگری-دهقانی و سربازان و به رهبری حزب طبقه کارگر و... را نفی می‌کردند و اعتقادی به تئوری «امپریالیسم» لنین و «امکان پیروزی انقلاب سوسیالیستی در یک کشور» را نداشتند. رفیق استالین، که ادامه‌دهنده راه لنین بود، این دانش علمی را در دو جلد آثار فناپذیر خویش به نام‌های «اصول لنینیسم» و «مسایل لنینیسم» تدوین کرد.

برخی‌ها از شکست و احیای سرمایه‌داری در شوروی سوسیالیستی به این نتیجه نادرست رسیدند که علل این عقبگرد را باید در «عدم نقش کارگران در ساختمان

سوسیالیسم و نشان دادن حزب به جای خود کارگران، عقب‌ماندگی نیروهای مولده و نقش پول و تولید کالایی و اختلاف دستمزد.... جستجو کرد». در پاسخ به چنین پرسش‌هایی باید یادآور شد که سوسیالیسم طبق تعریف کارل مارکس هنوز فرماسیون کامل کمونیستی نیست، زیرا هنوز طبقات و مبارزه طبقاتی در اشکال مختلف وجود دارد [اگرچه بورژوازی بعنوان یک طبقه از قدرت سیاسی و اقتصادی برمی‌افتد و استثمار محو می‌گردد!] اما هنوز دولت و دیکتاتوری، البته اعمال دیکتاتوری اکثریت اهالی جامعه کارگر و زحمتکش تحت رهبری حزب بر اقلیت حامی نظام سرمایه‌داری و مظاهر فرهنگی و روبنایی و بقایای جامعه کهن وجود دارد. هنوز اختلاف دستمزد و اختلاف بین کاریدی و فکری، اختلاف شهر و روستا و در یک کلام مبارزه برای تحقق «حق»، که خود منشاءش از ناحقی است، وجود دارد. هنوز مناسبات پول و روابط بازرگانی خارجی؛ همزیستی و جنگ و ستیز با سرمایه‌داری جهانی وجود دارد و هنوز مسئله پیروزی کی بر کی مطرح است. حال اگر کسی پیدا شود و از سوسیالیسم بی‌عیب و نقض سخن گوید، از آگاهی طبقاتی و فرهنگی کامل و بی‌عیب و نقض سخن گوید، از سوسیالیسم همه باهم و آزادی بی‌قید و شرط سخن گوید، از بی‌حزبی و بی‌دولتی و بی‌دیکتاتوری طبقاتی سخن گوید و غیره... هنوز سوسیالیسم را نفهمیده و باید حداقل پانصد سال منتظر بنشیند تا شاید فرجی شود!! باید منتظر معجزه رشد نیروهای مولده سرمایه‌داری بماند و سرانجام از هیچ و پوچ باد سوسیالیسم سخن بگوید و بر جاودانی بودن نظام سرمایه‌داری نغمه‌سرایی کند.

پیروزی انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ خط بطلانی بر این نظریه ضد علمی و شکست منشویک‌ها و نظریه‌پردازان روزیونیست‌های کهنی چون کارل کائوتسکیست‌ها و رفرمیست‌های سوسیال دمکرات و آنارکو سندیکالیست‌ها و آنارشیت‌هایی است که در لباس شورا و کارزدگی و حزب ستیزی ظاهر شده بودند و قیام کارگران «کروشتاد» بازتاب تاریخی از این تفکر اخرافی و کهنی است که این روزها در لباس جدیدی در ایران و جهان ظاهر شده است.

انقلاب اکتبر می‌آموزد که برای پیروزی در مبارزه انقلابی و به خاطر جلب توده‌ها و رهبری آنها در راه انقلاب سوسیالیستی ناگزیر باید رویزیونیسم و اپورتونیسم و جریان‌ات حزب‌ستیز آنارشیت را درهم شکست. بدون پیکاری پیگیر و همه‌جانبه با اغرافات سوسیال دموکراتیسم، آنارکوسندیکالیسم، اکونومیسم، ترسکیسم و انواع و اقسام اغرافات خرده بورژوائی و ضد حزبی در مقیاس ملی و بین‌المللی امکان پیروزی پرولتاریا وجود خواهد داشت. مبارزه با سرمایه‌داری و امپریالیسم از مبارزه با رویزیونیسم جدا نیست و نمی‌تواند باشد.

فرخنده باد صد و چهارمین سالگرد انقلاب سوسیالیستی اکتبر! ●

چند یادداشت کوتاه سیاسی



خودنویس‌های ۱۱۵ میلیونی!

خودنویس‌های ۱۱۵ میلیونی از جنس طلا و نقره و یا قوت، بستنی و پیتزا با روکش طلا، منازل مسکونی چند صد میلیاردی، ماشین‌های لوکس ۱۵ میلیاردی، تلفن‌های همراه ۷۰ میلیونی و بسیاری چیزهای دیگر... درست در نقطه مقابل اینها، میلیون‌ها نفر زیر خط فقر هستند که توانایی تامین بدیهیات یک زندگی را ندارند. هرچه سیاست‌های اقتصاد نتولیرالی در اداره کشور پر رنگ‌تر می‌شود، بیش‌تر و بیش‌تر جهنم طبقاتی خود را نشان می‌دهد. رژیم سرمایه‌داری مافیایی جمهوری اسلامی بیش از چهاردهه است که خود را حامی مستضعفان تبلیغ می‌کند، لیکن در عمل آنچه صورت گرفته و می‌گیرد، نسخه‌های تجویزی «صندوق بین‌المللی پول» و «بانک جهانی» است، که با مشت آهنین اجرا می‌شود. نتیجه چنین سیاست ویرانگرانه‌ای جز این نیست که امروز شاهدش هستیم و جامعه را به پرتگاه سقوط سوق داده است. خیزش‌های انفجاری دی ۹۶ و آبان ۹۸ کارگران و فرودستان پاسخی به سیاست‌های نتولیرالی و غارتگرانه‌ای است که در لباس روحانیت و موعظه‌های ریاکارانه الهی و سرکوب خونین صورت گرفته است. ●

زن «تروخیلو» بودند. آنها بارها به خاطر افشاگری بر ضد دیکتاتوری و فعالیت زیرزمینی، با همسران‌شان به زندان افتادند. جنبش ۱۴ ژوئن در سال ۱۹۶۰ توسط «پاتریا» پایه‌گذاری شد. دو خواهر دیگر نیز عضو جنبش بودند. ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ در حالی که به ملاقات همسران‌شان می‌رفتند، پس از شکنجه و تجاوز به دست حکومت مستبد به فجیع‌ترین شکلی به قتل رسیدند؛ هر چند حکومت می‌خواست قتل آنها را یک حادثه جلوه دهد، اما به سرعت نوع تجاوز و قتل آنها باعث رسوایی آشکار حکومت دیکتاتوری «تروخیلو» شد. یکسال بعد بساط دیکتاتوری به پایان رسید. بعد از چندی سازمان ملل روز ۲۵ نوامبر برابر با ۴ آذر ماه را روز جهانی محو خشونت علیه زنان اعلام کرد. همزمان به مناسبت روز جهانی محو خشونت بر زنان روز پنج‌شنبه، چهارم آذر، یک سایت حقوق بشری در گزارشی در خصوص خشونت علیه زنان در ایران نوشت، طی یکسال گذشته ۴۴ زن و دختر در مناطق کردنشین ایران به قتل رسیده و دست‌کم ۱۰۷ مورد نیز خودکشی کرده‌اند. در این گزارش آمده است که از اوایل آذر پارسال تا آذر امسال ۴۴ مورد قتل زنان و دختران در مناطق کردنشین تأیید شده که بیش‌تر آنها به دست «افراد نزدیک به خود» به قتل رسیده‌اند. بر اساس این گزارش در بین ۴ استان کردنشین ایران بیش‌ترین آمار خودکشی با ۱۴ مورد مربوط به استان کرمانشاه و بعد از آن به کردستان اختصاص داشته است. قابل ذکر است که اعمال خشونت بر زنان در ایران به مناطق کردنشین ایران محدود نمی‌شود. حاکمیت اسلامی و قوانین زن‌ستیزانه آن شکل قانونی سازمان‌یافته تبعیض و خشونت علیه همه زنان ایران است که با حضور و ادامه چنین نظام، رفع و منع تبعیض و خشونت بر زنان میهنمان متصور نیست. برای محو کامل خشونت و تبعیض باید برای استقرار جامعه سوسیالیستی رزمید و سرانجام در جامعه بی‌طبقه است که تمام مظاهر قهر و خشونت و «بی‌حقی» همراه با دولت رو به زوال خواهد رفت.

زننده باد پیکار متحد زنان علیه تبعیض و خشونت! ●



خروج نیکاراگوئه از سازمان کشورهای آمریکایی

دولت مستقل نیکاراگوئه منشور سازمان کشورهای آمریکایی را محکوم و خروج این کشور از این گروه بین‌المللی را در واکنش به مداخله آن در پیروزی انتخاباتی دوباره «دانیل اورتگا» به جریان انداخت.



۲۵ نوامبر، روز جهانی محو خشونت علیه زنان

در تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۶۰ در بخش شمالی دومینکن خواهران میرابال به نام‌های «پاتریا»، «مینروا» و «ماریا ترزا» از مبارزان فعال علیه حکومت دیکتاتوری و ضد

مواضع تند اریک زموور باید وضعیت کنونی فرانسه را نیز بررسی کرد. هم اکنون جوی در فرانسه حاکم است که نخبگان از اقدامات تند و تحریک آمیز حمایت می کنند، مخالفت جدی با سیاست های مهاجرتی دارند و بخش لیبرال جامعه را مورد انتقاد شدید قرار می دهند. با این حال زموور حمایت قاطع احزاب سیاسی را ندارد اما در تلاش است تا در ماه های پیش رو افکار عمومی و رسانه های فرانسه را تحت تأثیر خود بگذارد. ●



یک پیروزی برای کشاورزان هند

دولت مرکزی هند پس از مبارزه متحد یکساله کشاورزان سراسر کشور، سرانجام اجرای طرح های تصویبی خود را، که جز اجرا و تعمیق سیاست های نئولیبرالی نبود، لغو کرد.

صبح (جمعه ۲۸ آبان) «نارندرا مودی»، نخست وزیر هند، در سخنرانی تلویزیونی اعلام کرد: سه قانون کشاورزی هند که سال گذشته تصویب شده بود لغو می شود.

وی گفت: «دولت هند برای لغو (بازگردانی) این سه قانون کشاورزی تصمیم گرفته است و در نشست پارلمان هند، که در آخر ماه کنونی میلادی برگزار می شود، روند لغو قانون این سه قانون کشاورزی را انجام خواهیم داد».

سه قانون مصوبی که حیات کشاورزان هند را با حذف قوانین حمایتی و تقویت مناسبات افسارگسیخته ی بازار آزاد در خطر مرگ قرار می داد، لغو گردید.

فقط با پیکار متحد و تشکیلات است که می توان در مقابل ستمگران ایستاد و پیروز شد. مردم آگاه و متحد شکست ناپذیرند! ●

این سازمان، که در ۳۰ آوریل ۱۹۴۸ تأسیس یافت، یکی از بزرگ ترین سازمان های چندجانبه در قاره آمریکاست. به گزارش «خبرگزاری اسپوتنیک»، در نامه روز جمعه «دنيس مونکادا»، وزیر خارجه نیکاراگوئه به «لوئیس آلمارگو»، دبیرکل سازمان کشورهای آمریکایی (او.ای.اس)، آمده است: «سازمان کشورهای آمریکایی به عنوان یک تریبون سیاسی دیپلماتیک، زاده شده تحت نفوذ ایالات متحده، به عنوان ابزار مداخله و دخالت طراحی شده است و اقدامات آن علیه نیکاراگوئه نشان داده است که این سازمان، که به طور دائم در واشنگتن فعالیت می کند، مأموریت تسهیل هژمونی ایالات متحده را با مداخله گری خود در برابر کشورهای آمریکای لاتین و کارائیب دارد و این چیزی است که برای نیکاراگوئه غیرقابل قبول است و ما آن را رد و محکوم می کنیم». خروج نیکاراگوئه از این سازمان نواستعماری تحت نفوذ آمریکا گام مثبتی در جهت تحکیم استقلال این کشور و به نفع خلق های آمریکای لاتین است. ●



نسخه فرانسوی ترامپ در راه رسیدن به کاخ الیزه قرار گرفته است

نشریه فرانسوی France Info در گزارشی در مورد انتخابات پیش روی ریاست جمهوری فرانسه نوشت: «اریک زموور، روزنامه نویس و فعال رسانه ای معروف فرانسوی نامزدی خود را برای انتخابات پیش روی ریاست جمهوری فرانسه اعلام کرده است. او هنوز وارد میدان سیاست نشده، اما ماکرون او را رقیب جدی خود می داند. بسیاری از مردم و تحلیلگران فرانسوی بر این باورند که اریک زموور نسخه فرانسوی دونالد ترامپ است و توانایی عبور از سد ماکرون را دارد». در ادامه این گزارش آمده است: «علاوه بر



بزرگ‌ترین فاجعه مرگ پناهجویان در کانال مانس؛ ۲۷ پناهجو جان باختند

بزرگ‌ترین فاجعه انسانی در کانال مانس رقم خورد. ۲۷ پناهجو در تلاش برای عبور از این کانال به بریتانیا جان خود را از دست دادند. رهبران بریتانیا و فرانسه از این بابت اظهار تأسف کردند اما مدافعان حقوق پناهجویان می‌گویند سیاست‌های دو کشور از پناهجویان قربانی می‌گیرد.

تا کنون، بیشترین تلفات جانی در کانال مانس بر اثر غرق شدن یک قایق پناهجویان در اکتبر سال گذشته رخ داد که در جریان آن یک خانواده پنج نفری کرد-ایرانی جان باختند. این قربانیان رسول ایران‌نژاد ۳۵ ساله، شیوا محمد پناهی ۳۵ ساله، آنتیا ۹ ساله، آرمین شش ساله و آرتین ۱۵ ماهه بودند که ماه‌ها بعد جسدش در سواحل نروژ پیدا شد.

بریتانیا در هفته‌های گذشته مقامات فرانسوی را به بی‌عملی در برابر ورود پناهجویان به خاک بریتانیا متهم کرده بود اما فرانسه این ادعا را رد می‌کند. وزارت کشور فرانسه می‌گوید با بیش از ۶۰۰ پلیس و ژاندارم در سواحل شمالی در ۲۴ ساعت شبانه روز به تعهدات خود برای جلوگیری از حرکت قایق‌های کوچک پناهجویان عمل می‌کند.

اکثر این پناهجویان از شاخ آفریقا واز کشور لیبی هستند، همان کشوری که توسط جنایتکاران فرانسوی، بریتانیایی ویران و موجب تاراندن میلیون‌ها نفر انسان از خانه وکاشانه شان گردید.

سرگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به دست مردم

پیام حزب کار ایران (توفان) به شانزدهمین کنگره حزب کمونیست آلبانی

رفقا و نمایندگان شرکت کننده در شانزدهمین کنگره حزب کمونیست آلبانی
حزب کار ایران (توفان) گرم‌ترین دروهای برادرانه خود را به کنگره حزب کمونیست آلبانی ارسال می‌دارد.

ما در این مراسم حضور نداریم، اما در این لحظه شادی‌بخش با شما هستیم، با شما علیه حاکمان سرمایه‌دار آلبانی فریاد می‌زنیم و با شما برای سوسیالیسم پایکوبی می‌کنیم. ما به شما تبریک گفته و رفقای مبارز حزب را در آغوش می‌کشیم.
برگزاری کنگره یک حزب طبقه کارگر یک رویداد مهم و تاریخی در حیات حزب است. حزب کمونیست آلبانی در طی نبردهای سنگین، سیاست خود را در خط طبقه‌ای پرولتری تثبیت کرد و به آموزه‌های مارکس، انگلس، لنین و استالین وفادار است. ما با مبارزاتی که شما در این شرایط سخت، علیه طبقه حاکم آلبانی، علیه دشمنان داخلی و خارجی مردم و کشور انجام می‌دهید، ابراز همبستگی می‌کنیم.
رفقای گرامی!

کمونیست‌های آلبانی هرگز یوغ امپریالیسم آمریکا و ناتو را نپذیرفتند. مردم شجاع آلبانی در کشور خود با فاشیسم جنگیدند و آنرا شکست دادند. «رفیق انور خوجه» و حزب کمونیست آلبانی (بعدها حزب

پیام حزب کمونیست آلبانی به حزب کار ایران (توفان)

رفقای عزیز!

حزب کمونیست آلبانی از حزب کار ایران (توفان) به خاطر ارسال پیام به شانزدهمین کنگره ما، که در ۷ و ۸ نوامبر ۲۰۲۱ برگزار شد، صمیمانه تشکر می‌کند.

پیام صریح و گرم شما پشوانه بزرگی برای کار کمونیستی ما و مشوقی برای دستیابی به بیشترین موفقیت ممکن در تحقق برنامه سیاسی ماست. حضور یک حزب کمونیستی، مارکسیست-لنینیست واقعی در ایران، حزب کار شما، ما را سرشار از خوش بینی و اطمینان می‌کند که حتی در خاورمیانه، جایی، که منافع غارتگرانه ابر قدرت‌های امپریالیستی درهم می‌آمیزد، مبارزه وجود دارد و حزبی کمونیست انقلابی، که همراه با سایر احزاب منطقه و فراتر، برای دستیابی به هدف نهایی خود، که سوسیالیسم و کمونیسم است، در رأس طبقه کارگر قرار خواهد گرفت. سخنان دقیق و گرم شما در مورد روابط مستقیم مبارزین کمونیست ایران با حزب کار آلبانی به رهبری مارکسیست لنینیست بزرگ انور خوجه و با آلبانی سال‌های سوسیالیستی عاملی است که روابط فزاینده دو حزب ما را برای دستیابی به اهداف مشترک مستحکم خواهد کرد. ما به شما اطمینان می‌دهیم که حزب کمونیست آلبانی برای همیشه به آموزه‌های رهبر فراموش نشدنی ما انور خوجه وفادار بوده و همراه با احزاب کمونیست واقعی مارکسیست-لنینیست در سنگرهای جنگ طبقاتی علیه جهان بورژوازی سرمایه‌داری و برای تحقق رسالت بزرگ پرولتاریا و آزادی مردم و کشورهای جهان پایدار خواهد ماند.

با درود های گرم
از طرف حزب کمونیست آلبانی
دبیر روابط بین المللی
Gjon Bruçi
تیرانا، در ۱۱ نوامبر ۲۰۲۱

کار آلبانی (PLA) نقش مهمی در توسعه و پیشرفت کشور داشتند. رفقای حزب کار ایران (توفان) که در آلبانی سوسیالیستی برای انجام وظیفه انترناسیونالیستی خود حضور داشتند، این تحول و ارتقای سطح زندگی توده‌های آلبانی را تجربه کردند. ما «رفیق انور» و مبارزه تاریخی‌اش را علیه رویزیونیسم، علیه گزارش محرمانه خروشچف درباره «کیش شخصیت استالین» در بیستمین کنگره اتحاد جماهیر شوروی رویزیونیستی، و علیه «تئوری سه جهان» رویزیونیست‌های چینی را ستایش می‌کنیم. این مبارزات برای جنبش بین‌المللی کمونیستی ضروری و حیاتی بود. ما همیشه از حمایت حزب کار آلبانی سوسیالیستی از حزب ما و سازمان ما قبل آن، «سازمان مارکسیست لنینیست توفان»، قدردانی کرده‌ایم. ما همیشه موضع انترناسیونالیستی و پرولتری حزب کار آلبانی را ستوده‌ایم.

رفقای عزیز،

آلبانی کشور کوچکی است، اما تاریخی درخشان از مبارزات کمونیست‌ها و مردم خود برای ساختن یک زندگی عاری از سلطه و استثمار را با خود همراه دارد. آلبانی سوسیالیستی مشعل مبارزه طبقاتی در جهان بود. تلاش‌های ارتجاعی و متحد همسایگان آن با حمایت امپریالیست‌ها، برای نابودی آلبانی سوسیالیستی نتوانست عزم کمونیست‌های آلبانیایی را برای برقراری مجدد سوسیالیسم درهم شکند.

رفقای عزیز،

در ایران هم مردم با مشکلات داخلی و خارجی مشابهی مواجه هستند. از یکسو، سرکوب سیاسی توده‌ها توسط رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی موجب انزجار عمیق توده‌ها از این رژیم جنایتکار شده است و از سوی دیگر تهدیدات، توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی، تجاوز و تحریم‌های اقتصادی علیه مردم ما شرایط بسیار سختی را برای زحمتکشان ایجاد کرده است. اما مردم ایران به مبارزه‌ای قاطع با دشمنان داخلی و خارجی دست زده‌اند. حزب کار ایران (توفان) اطمینان دارد که تصمیمات کنگره شما مسیر تقویت، گسترش و پیشبرد مبارزه برای رهایی توده‌ها از استثمار طبقاتی را ترسیم خواهد کرد.

زنده باد کنگره حزب کمونیست آلبانی!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد انترناسیونالیسم پرولتری!
حزب کار ایران (توفان)
نوامبر ۲۰۲۱



ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده

بنابر درخواست مکرر خوانندگان محترم «توفان الکترونیکی» بر آن شدیم تا مفاهیم و مبانی فلسفه مارکسیسم را با زبانی ساده و قابل فهم برای عموم توضیح بدهیم. از اینرو هیأت تحریر نشریه «توفان الکترونیکی» ستونی برای این امر اختصاص می‌دهد، تحت عنوان «ادبیات مارکسیستی به زبان مختصر و ساده». با امید به اینکه بتوانیم از این طریق به نیاز خوانندگان این نشریه پاسخ داده باشیم.

ماتریالیسم تاریخی علم است

ماتریالیسم تاریخی علم به قوانین عام تکامل جامعه انسانی است. جامعه انسانی بخشی از دنیای مادی است و لذا تابع قوانین عامی است که در دنیای مادی حکمفرماست. ماتریالیسم تاریخی بسط مفاهیم ماتریالیسم و دیالکتیک بر زندگی جامعه انسانی است، از اینرو ماتریالیسم تاریخی مشمول قوانین عام ماتریالیسم دیالکتیک است.

اگر جامعه انسانی و طبیعت دو بخش تفکیک‌ناپذیر دنیای مادی‌اند، معذالک از لحاظ کیفی با یکدیگر تفاوت فاحش دارند. به علت همین تفاوت کیفی، قوانین طبیعت را متعلق به هر بخشی از آن که باشد، نمی‌توان به جامعه بسط داد. چنانکه جامعه انسانی را با مقوله‌ها و قوانین علوم طبیعی و از آنجمله بیولوژی

نمی‌توان سنجید، زیرا که پدیده‌های اجتماعی و پدیده‌های طبیعی و زیستی از ریشه و در ماهیت خود با یکدیگر متفاوت‌اند. بدون شک جامعه از مناسبات بیولوژیک مانند مناسبات مربوط به تولید مثل و توالی نسل‌ها و غیره عاری نیست، ولی ساختمان جامعه و تکامل آن به هیچ‌وجه بستگی به این مناسبات ندارد، بلکه پیرو قوانین خاصی است که از کیفیت جامعه انسانی برمی‌خیزد. کسانی که می‌کوشند قوانین علوم طبیعی و از آنجمله قوانین زیست‌شناسی را بر پدیده‌های اجتماعی انطباق دهند، در واقع تفاوت کیفی پدیده‌های طبیعی و زیستی را با پدیده‌های اجتماعی به دست فراموشی می‌سپارند یا نادیده می‌انگارند.

تفاوت اساسی جامعه با طبیعت در این است که پروسه‌ها و پدیده‌های اجتماعی نتیجه فعالیت و تکاپوی انسان‌هاست، انسان‌هایی که از روی شعور و اراده عمل می‌کنند و اعمال آنها بخاطر دست یافتن به هدف و مقصد معینی است. در طبیعت چنین کیفیتی مشاهده نمی‌شود. پدیده‌های طبیعت، پروسه‌هایی که در طبیعت به وقوع می‌پیوندند، نتیجه تأثیر علل و نیروهائی است که در آنها شعور و اراده نقشی بازی نمی‌کند، بعبارت دیگر تاریخ طبیعت خودبخود، کورکورانه و تحت قوای قهری آن ساخته می‌شود، در حالی که تاریخ جامعه با دست انسان‌هایی، که از شعور و اراده برخوردارند، بنامی‌گردد.

اگر تاریخ جامعه با دست انسان‌هایی ساخته می‌شود که دارای شعور و اراده‌اند و اعمال آنها برای نیل به هدف معینی است، در این صورت این طور به نظر می‌رسد که برای بررسی پدیده‌های اجتماعی کافی است انگیزه‌های انسان‌ها را در انجام اعمال‌شان بشناسیم و به هدف‌های آنان پی‌بریم، آنگاه معلوم می‌شود چرا انسان بدینگونه

انسان‌ها می‌گشاید. مثلاً وقتی می‌گوئیم استقرار سوسیالیسم در جامعه بشر ضرورت تاریخی است، معنایش این است که سرمایه‌داری طبقه پرولتاریا را آفریده و پیشرفت سرمایه‌داری تضادهای طبقاتی را حاد و حادث می‌کند و این امر ناگزیر پرولتاریا را علیه بورژوازی و بخاطر سوسیالیسم به مبارزه می‌کشاند زیرا سوسیالیسم یگانه راه رهائی پرولتاریا و توده‌های زحمتکش دیگر از بردگی اجتماعی است. بنابر این وقتی ما از ضرورت تاریخی سوسیالیسم سخن می‌گوییم، ناگزیر ضرورت مبارزه پرولتاریا را علیه بورژوازی در مد نظر داریم، بنابر این استقرار سوسیالیسم در جامعه بشری تراوش ذهن یا محصول اراده این یا آن فرد نیست، زیرا متکی بر شرایط عینی جامعه است، نتیجه جبر کورکورانه هم نیست، زیرا مبارزه طبقاتی آگاهانه است که به ضرورت تاریخی استقرار سوسیالیسم تحقق می‌بخشد. بدین ترتیب ماتریالیسم تاریخی عینی بودن را با روحیه انقلابی پیوند می‌دهد، عامل عینی را با عامل ذهنی درمی‌آمیزد.

ماتریالیسم تاریخی نشان می‌دهد که جامعه با وجود آنکه بغرنج‌ترین و پیچیده‌ترین بخش دنیای مادی است، معادالک مانند بخش‌های طبیعت قابل شناخت است و می‌توان آنرا با شیوه علمی بررسی کرد، قوانین حرکت و تکامل آنرا دریافت. البته جامعه مانند طبیعت دارای انواع گوناگون پدیده‌ها و پروسه‌هاست، که هر کدام موضوع علم خاصی را تشکیل می‌دهد. چنانکه علم اقتصاد سیاسی قوانین پیدایش و تکامل شیوه‌های مختلف تولید و جانشین شدن یک شیوه تولید را با شیوه دیگر بررسی می‌کند، علم حقوق، قوانین پیدایش و تکامل اشکال دولت و حقوق را مورد مطالعه قرار می‌دهد، علم زیباشناسی از هنر و قوانین تکامل آن، از روابط هنر با واقعیت و نقش هنر در اجتماع گفتگو می‌کند، موضوع علم تاریخ تشریح و توضیح وقایع تاریخی مشخصی در این یا آن کشور در توالی زمانی آنهاست و غیره.

ماتریالیسم تاریخی، برخلاف علوم اجتماعی، به مطالعه قوانین خاص این یا آن شکل پدیده‌ها و مناسبات اجتماعی مانند پدیده‌ها و مناسبات اقتصادی، هنری، حقوقی و غیره نمی‌پردازد، بلکه جامعه را بمثابة مجموعه‌ای واحد در کلیه روابط و جهات درونی آن و تأثیر متقابل این جهات بر روی یکدیگر در نظر می‌گیرد و عام‌ترین قوانین تکامل جامعه را بدست می‌دهد. موضوع ماتریالیسم تاریخی مطالعه این یا آن کشور، این یا آن خلق نیست، بلکه جامعه انسانی بطور کلی است. ماتریالیسم تاریخی معرفت به وجوه مشترک و قوانین عام زندگی اجتماعی و تکامل کلیه خلق‌هاست. ●

رفتار کرده و نه بگونه دیگر. اما این قسم بررسی پدیده‌های اجتماعی هیچ چیزی را روشن نمی‌سازد، زیرا که از یکسو هنوز معلوم نمی‌شود چه چیزی این یا آن انگیزه را در انسان بوجود می‌آورد و چرا انسان به دنبال این یا آن هدف روان می‌گردد، موضوعی که باید به نوبه خود مورد مطالعه قرار گیرد. از سوی دیگر اعمال انسان‌ها برای نیل به هدف معین غالباً با یکدیگر برخورد می‌کنند و نتیجه‌ای که از برخورد اعمال و هدف‌های انسان‌ها حاصل می‌آید، درست آن چیزی است که انسان‌های عمل‌کننده در برابر خود قرار نداده بودند. به عنوان مثال وقتی بورژوازی با شعار آزادی، برادری، برابری، سیستم فئودالی را سرنگون کرد و حکومت خود را مستقر ساخت، هیچگاه بخاطرش هم خطور نمی‌کرد که فعالیت تولیدی وی ناگزیر به سلطه او خاتمه خواهد بخشید و سیستم دیگری، سیستم سوسیالیستی را بجای نظام بورژوائی خواهد نشانید. از اینجا اینطور نتیجه می‌شود که انسان‌ها، با آنکه اعمال‌شان از روی شعور و اراده و بخاطر نیل به مقاصد معینی انجام می‌گیرد، معادالک تحت تأثیر نیروهای واقع می‌شوند که در خارج از اراده و شعور آنها عمل می‌کنند، تحت تأثیر قوانینی قرار می‌گیرند که مستقل از ذهن و اراده آنها عمل می‌کنند و ظاهراً به نظر می‌رسد که تاریخ جامعه نیز مانند تاریخ طبیعت کورکورانه و خود بخود ساخته می‌شود. در واقع نیز چنین است. تکامل جامعه جبری است و بر طبق قوانین عینی جریان می‌یابد، یعنی قوانینی خارج از حیطه اراده و شعور انسان‌هاست. انسان می‌تواند این قوانین را بشناسد و مورد استفاده قرار دهد، ولی نمی‌تواند آنها را از میان بردارد، لغو کند. آری، تکامل جامعه بر طبق قوانین عینی و مستقل از ذهن و اراده انسان‌ها جریان می‌یابد، علی‌رغم اینکه این تکامل محصول فعالیت انسان‌هایی است که از اراده و شعور برخوردارند و اعمال‌شان برای نیل به مقاصد عینی است. از این هم دقیق‌تر؛ قوانین تکامل جامعه نه تنها مستقل از شعور و اراده انسان‌هاست، بلکه تعیین‌کننده شعور، اراده و فعالیت آنها نیز هست.

ظاهراً در این گفته تضادی به نظر می‌رسد؛ از یکسو تکامل جامعه محصول شعور و اراده انسان‌هاست و از سوی دیگر محصول قوانین مستقل از ذهن انسان‌ها، یا باید تکامل جامعه را به ضرورت عینی نسبت داد، در اینصورت جائی برای فعالیت آگاهانه انسان‌ها باقی نمی‌ماند، یا باید فعالیت آگاهانه انسان‌ها را پذیرفت، در این صورت جائی برای ضرورت عینی باقی نمی‌ماند. اما در واقع چنین تضادی وجود ندارد، زیرا عینی بودن قوانین تکامل جامعه به این معنی نیست که این قوانین مستقل از انسان‌ها و علی‌رغم آنها عمل می‌کند، نه، این قوانین، قوانین فعالیت خود انسان‌هاست. ضرورت تاریخی در اینجا راه خود را از درون فعالیت آگاهانه

باتوفان همراه شوید

@TOTOUFAN

پاسخ به یک پرسش در شبکه تلگرام

پرسش: سئوالی داشتم درباره منافع ملی ایران. آیا دفاع از حق انرژی هستی دفاع از رژیم محسوب نمی‌شود؟ این سیاست را چگونه توضیح می‌دهید؟

پاسخ: نه دوست عزیز، اینطور نیست. دفاع از منافع ملی ایران، دفاع از رژیم ایران نیست! رژیم جمهوری اسلامی نزدیک به ۴۳ سال بر سرکار است و ایران حداقل ۲۵۰۰ سال وجود دارد و رژیم‌ها آمده و رفته‌اند و از این به بعد هم چنین خواهد بود. ولی منافع ملی ماندگارند. کسانی که فوراً چماق اتهام را برمی‌دارند تا دفاع از منافع ملی ایران را دفاع از خامنه‌ای جلوه دهند، خودشان عمال بیگانه و ضد ایرانی هستند. هرگز از اتهامات این اوباش دشمن‌پرست نهراسید. آنها در ایران آینده‌ای ندارند و مورد نفرت مردم ایران هستند. ایران در جهان، حقوقی دارد که متعلق به ایران است و باید از این حقوق دفاع کرد. حق استفاده مسالمت‌آمیز از انرژی هسته‌ای حق ایران است و در پیمان‌های جهانی تعیین شده است و آمریکا و اسرائیل نمی‌توانند تعیین کنند که چه چیزی حق ایران است و چه چیز نیست. آنها نمی‌توانند تعیین کنند که سیاست خارجی ایران چگونه باید باشد و باید به زور اسرائیل خون‌آشام و متجاوز را به رسمیت بشناسد. اسرائیل کشور متجاوز و اشغالگر بوده و بر ضد بشریت جنایت می‌کند و اینرا مجمع عمومی سازمان ملل و کمیسیون‌های حقوق بشر نیز تصویب کرده‌اند. فقط ایرانی اجنبی‌پرست همدست صهیونیسم و امپریالیسم است که از تجاوز به حقوق ایران مثلاً در جمهوری آذربایجان با یاری پان‌عثمانیست‌ها دفاع می‌کند. این ایرانیان جاسوس را بشناسیم زیرا برای فردای ایران انقلابی هم مضر بوده و دشمن مردم ایران هستند. تجاوز به ایران و تحریم ایران ضدبشری و مغایر منشور ملل متحد بوده و در مورد همه کشورها صدق می‌کند. آمریکا حق ندارد با یاری اسرائیل به تمامیت ارضی ایران تجاوز کند و ایران را تحریم کند. فقط ایرانی جاسوس و خودفروخته از گرسنگی دادن به مردم کشور شاد می‌شود. مبارزه حزب ما علیه سیاست‌های سرکوبگرانه و پایمال‌کردن حقوق کارگران و عموم زحمتکشان شفاف و روشن است، لیکن این امر به هیچوجه نمی‌تواند مهری بر تأیید تحریم‌های اقتصادی، تجاوز نظامی و نقض تمامیت ارضی و حق و حقوق بین‌المللی و شناخته شده ایران گردد. براندازی و هر تغییر و تحولی در ایران وظیفه مردم ایران است و حزب ما شدیداً با سیاست‌های مداخلانه‌جویانه و زورگویانه آمریکا علیه ایران مخالف است. و به جد علیه آن مبارزه می‌کند. موفق باشید!

گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ

به چند پرسش

پرسش: دوستان گرامی! آیا واژه سوسیال امپریالیسم مقوله‌ای علمی است و چرا برخی از احزاب از جمله حزب توده این مقوله را چینی می‌دانند و هواداران این تئوری را به «دکترین سه جهان» نسبت می‌دهند؟ همینطور حضور شوروی در افغانستان! بسیار ممنون می‌شوم اگر پاسخ مختصری به پرسش دهید.

پاسخ: دوست گرامی! «سوسیال امپریالیسم» یک مقوله علمی است، که لنین برای نخستین بار آنرا مطرح کرده است و شامل شوروی رویزیونیستی و برژنفی می‌شود و سرنوشت آن در مقابل چشمان بیدار بشریت است. رویزیونیست‌ها و نوکران‌شان در حزب توده برای دفاع از امپریالیسم شوروی ناچار بودند مقوله «سوسیال امپریالیسم» را، که مقوله‌ای مارکسیستی است، به سازمان سیا نسبت دهند تا اعضاء خود را بفربند تا از رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم در ایران و جهان دفاع کنند. اما «تئوری سه دنیا» ربطی به سوسیال امپریالیسم ندارد. «تئوری سه دنیا» می‌گوید میان امپریالیسم آمریکا و سوسیال امپریالیسم روس خطر روس‌ها بیش‌تر از آمریکائی‌هاست و لذا باید با امپریالیسم اروپا همدست شد و با آمریکا کنار آمد تا روس‌ها را از بین برد. انقلاب و مبارزه طبقاتی تعطیل و خیانت ملی برقرار باد. «تئوری سه دنیا» ماهیت امپریالیستی شوروی را تغییر نمی‌دهد. ببینید چه به رزوگار چکسلاواکی و افغانستان آوردند.

طبیعتاً سوسیال امپریالیسم در افغانستان عمده بود و مردم افغانستان باید به طور مشخص بر ضد نوکران روس‌ها و سربازان اشغالگر شوروی می‌جنگیدند. در ایران، امپریالیسم آمریکا عمده بود و باید بر ضد آمریکا در درجه اول مبارزه می‌شد. توصیه می‌کنیم در مورد همه تجربه به قدرت رسیدن رویزیونیسم در شوروی و مبارزه با «کیش شخصیت استالین» و حمایت از «خروش‌چف»، «برژنف»، «گورباچف»، «پلتسین»، «حیدر علی‌اوف»، «اله‌ام علی‌اوف»، «ترکمن‌باشی» و... را مستقلاً مطالعه کنید.

تجربه فروپاشی سوسیال امپریالیسم شوروی را باید بطور عمیق آموخت و گرنه دچار آشفته فکری می‌شویم و ما را به سوی رویزیونیسم و بویژه در شرایط کنونی به سوسیال امپریالیسم چین سوق می‌دهد. امروز باز هم رویزیونیست‌ها به دروغ متوسل می‌شوند و چین را سوسیالیستی جا می‌زنند. در حالی که چین در حرف سوسیالیسم است، ولی در عمل امپریالیسم و بر همین اساس ما آنرا «سوسیال امپریالیسم» می‌نامیم. پیروز باشید!



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کاراییان (توفان)
facebook.com/hezbekar.toufan					*	فیسبوک حزب کاراییان (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کاراییان (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کاراییان توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب

POSTBANK

bank code 20110022

bank account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

P.O. BOX 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Fax: 00496996580346